

نقشه راه سکتور معادن افغانستان

فهرست مطالب

پیشگفتار ۰

خلاصه اجرایی ۶

منابع طبیعی افغانستان: مرور اجمالی ۷

محدودیت‌های فراروی سکتور معادن ۱۴

چارچوب حقوقی ۱۹

وزارت معادن و پترولیوم: اصلاحات لازم ۲۱

ایجاد بازارهای صنعتی و منطقه‌یی ۲۴

نتیجه گیری/پیشنهادات ۲۶

جدول خلاصه کالاها ۲۸

جدول خلاصه ساحات مورد نظر ۲۹

جمهوری اسلامی افغانستان متعهد به ایجاد یک سکتور پاسخگو و شفاف در بخش معادن است، دلیل آن نیز این است که سکتور معادن به مثابه بزرگترین فرصت در راستای افزایش رشد اقتصادی محسوب می‌گردد. دیدگاه راهنمای ما در این راستا، استفاده پایدار از سرمایه‌های طبیعی برای ایجاد سرمایه مالی غرض توسعه و تضمین آزادی، امنیت و حقوق تصریح شده در قانون اساسی، می‌باشد. با استفاده از توانایی‌های بالقوه خویش، ما متعهد بر ایجاد زمینه‌های رشد اقتصادی برای شهروندان کشور، جذب منابع مالی برای دولت و رفاه بیشتر در میان نسل‌های کشور، هستیم. ولی با آن هم، طوری که در اکثر کشورها مشهود است، نباید فقط به برخورداری از نعمت‌های منابع طبیعی اکتفا کرد.

طور معمول منابع سرشار طبیعی تأثیر معکوس در قبال دارد، این منابع موجب به وجود آمدن اقتصاد سیاسی با سطح بلند منازعات، رشد بطلی، و همچنان سبب خلق «نفرین منابع طبیعی» می‌شوند. با درک این موضوع، دولت افغانستان یک رویکرد طولی‌المدت را پیرامون منابع طبیعی کشور اتخاذ کرده است. تنظیم ساختارهای نهادی، مبنای حقوقی، و طرح پالیسی‌ها در این زمینه، شرایطی را برای افغانستان میسر خواهد ساخت تا در دهه‌های پیشرو از یک کشور با درآمد پایین، به یک کشور با درآمد متوسط مبدل شود. اما اتخاذ تصامیم نادرست پیرامون این موضوع افغانستان را دوباره به سوی بحران و رشد بطلی اقتصادی سوق خواهد داد.

در هنگام تهیه این سند، ما کارکردهای چندین کشور را مورد غور و بررسی قرار داده و بعضی از اصول کلیدی آن‌ها را در مورد افغانستان مدنظر گرفته ایم. نخستین اصل آن، شفافیت می‌باشد. در اغلب موارد نبود شفافیت جوانب ذیدخل را بر آن می‌دارد که به جای این که قراردادها را به نفع تمام شهروندان ترتیب نمایند، به نفع اشخاص ترتیب می‌نمایند. نخستین تغییر اساسی را که ما در این سکتور اعمال نمودیم، حصول اطمینان از تجدید و به‌روزرسانی اطلاعات در دیتابیس، و اسکن و موجودی کاپی تمام قراردادهای مربوط به معادن بود. اعمال این استانداردها تمام جوانب ذیدخل در این سکتور را بر آن می‌دارد که موضوع شفافیت را مدنظر گیرند.

دولت افغانستان باید فعالیت‌های خود را در خصوص سکتورهای فرعی منرال‌ها و ساحات مورد نظر با درنظر داشت کمترین میزان محدودیت اولویت‌بندی نماید. مثلاً ما قراردادهای مواد ساختمانی، منرال‌های صنعتی و داوطلبی‌های فلزات قیمتی را نسبت به فلزات سنگین، در اولویت قرار خواهیم داد، زیرا تا اکنون زیربناهای لازم جهت حمل‌ونقل و تأمین انرژی برق در خصوص فلزات سنگین وجود ندارد اما با گذشت زمان و با ایجاد زیرساخت‌های لازم، ما معادن بزرگ را نیز به داوطلبی خواهیم سپرد.

به منظور تطبیق این استراتژی، وزارت معادن و پترولیوم را باید طوری انسجام بخشیم که روی فعالیت‌های اساسی خود تمرکز نماید. در حال حاضر این وزارت مشغول طرح پالیسی و تنظیم سکتور معادن بوده و همچنان مالک تصدی‌های دولتی می‌باشد که در عرصه‌های صنایع ذغال‌سنگ، سمنت، گاز طبیعی و کود کیمیاوی فعالیت دارند. ما بر این باوریم که فعالیت‌های تنظیم‌کننده و عملیاتی این وزارت به مرور زمان به شکل مستقلاًنه به پیش‌برده شود.

ما باورمند هستیم که این اصول همراه با منابع طبیعی سرشار افغانستان، شرایط مناسب را جهت رشد اقتصادی میسر ساخته، مبنای مالیاتی کشور را گسترش می‌بخشد، سطح عواید را به شکل متوازن بلند می‌برد، و سبب تولید ثروت بین‌نسلی می‌گردد.

محمد اشرف غنی

رئیس جمهوری اسلامی افغانستان

افغانستان دارای منابع سرشار منرالی در همه ولایت‌های خود می‌باشد، این کشور دارای ذخایر بزرگ سنگ‌های معدنی حاوی رگه‌های آهن، مس، طلا، منرال‌های خاکی کمیاب و سایر منابع طبیعی به سطح جهانی می‌باشد.

در این عرصه لازم است تا دولت یک سلسله مقرراتی را جهت استخراج اصولی این منابع اعمال نماید. این سند رویکردی را جهت حصول اطمینان از این که چگونه منابع طبیعی برای منافع همه شهروندان کشور مورد استفاده قرار گیرد، ارائه می‌نماید. در صورتی که در این زمینه مؤفقانه عمل نمایم، شاهد افزایش منابع مالی، بهبود بیلابنس تجارت، و حصول اطمینان از این که ما می‌توانیم نسل‌های آینده خود را تأمین می‌نماییم، خواهیم بود.

این سند با پرداختن به مرور اجمالی منابع طبیعی افغانستان آغاز می‌شود. یافته‌های ما بیان‌گر این نکته است که در میان سایر منرال‌ها، به‌طور تخمینی افغانستان دارای ۲.۲ میلیارد متریک تُن سنگ‌های معدنی حاوی رگه‌های آهن، ۱.۳ میلیارد متریک تُن سنگ مرمر، ۳۰ میلیون متریک تُن مس، ۱.۴ میلیون متریک تُن منرال‌های خاکی کمیاب، و ۲۷۰۰ کیلوگرام طلا می‌باشد. اما با آن که این ارقام در ذات خود نمایان‌گر ذخایر بزرگ است، باید بپذیریم که در سطح جهانی در هیچ یک از این کتگوری‌ها دارای بزرگترین منابع نیستیم (بگونه مثال، کشور چیلی از مجموع ۱ تریلیون متریک تُن ذخایر مس جهان، ۲۱۰ میلیون متریک تُن آنرا در خود دارد). با آن‌هم، ما می‌توانیم در بسیاری از بازارها یکی از بازیگران مهم محسوب شویم.

این سند محدودیت‌های فراروی سکتور معادن را نیز مورد بازنگری قرار داده و سپس بر اساس این محدودیت‌ها، ساحات مورد نظر و اقدامات در خصوص معدن‌کاری را اولویت‌بندی نموده است. در این سند ما مبنای حقوقی سکتور معادن را مطالعه و پیشنهاداتی را در راستای اعمال اصلاحات اساسی، ارائه خواهیم نمود. برعلاوه، ما پیشنهاداتی را جهت تجدید ساختار وزارت معادن و پترولیوم ارائه می‌نماییم، و همچنان چارچوب انکشاف مواد معدنی را با در نظر داشت نوعیت صنعت و ساحه آن ارائه می‌نماییم و در اخیر پیشنهادات خویش را به طور فشرده مطرح نموده ایم.



منابع طبیعی افغانستان: مرور اجمالی

ارزش منابع طبیعی افغانستان بیشتر از ۱ تریلیون دالر امریکایی تخمین شده است. اما در جریان قرن‌های بیستم و بیست‌ویکم این منابع طور مؤفقاانه انکشاف داده نشده است.

برای این که وضعیت منابع طبیعی افغانستان از شکل تخمینی آن بیرون و به ذخایر احتمالی و تثبیت شده کنگوری بندی شوند، مطالعات متعددی صورت گرفته است.

این مطالعات در اواسط قرن بیستم آغاز شد، زمانی که اتحاد جماهیر شوروی و متحدان شرق اروپایی اش طیف وسیعی از آمار و اطلاعات را در رابطه به منابع طبیعی افغانستان جمع آوری و تهیه نمودند. مطالعات انجام شده، شامل نقشه برداری سیستماتیک جغرافیایی، جمع آوری و تحلیل سنگ‌ها و لایه‌های رسوبی، سروی‌های هوایی جیوفزیک، و اکتشاف منظم منرالی بوده است.^۱ بعداً در جریان دهه گذشته، اداره انکشاف بین‌المللی ایالات متحده امریکا (USAID) یک سلسله سروی‌های را تمویل نمود که به صورت مشترک توسط ریاست عمومی سروی جیولوجی افغانستان و اداره سروی جیولوجی ایالات متحده امریکا انجام شد. اکنون، این سروی‌ها اطلاعات جامعی را در مورد منابع منرالی افغانستان فراهم نموده است.

نخستین سروی و مطالعه در سال ۲۰۰۷ صورت گرفت که یک بررسی اجمالی از منابع منرالی افغانستان را بر اساس نوعیت ذخایر نشان می‌دهد. هر فصل این گزارش، یک ذخیره مشخص منرالی را در بر دارد.

فصل‌های دوم تا ششم این گزارش، دربرگیرنده ذخایر منرال‌های مگماتیک-هایدرותרمال (Magmatic-hydrothermal) و فصل‌های دیگر آن منرال‌های را که طی پروسه مگماتیزم تولید نشده اند، دربر دارد. در هر فصل، گزارش از اطلاعات جیولوجیکی پیرامون محیط تکنونیک، نوع مگمایی، ذخایر منرال‌های مگماتیکی-هایدروترمالی، و مراحل نفوذی بر پروسه‌های تکنونیک، جهت تثبیت ذخایر^۲ موجود در ساحات مورد نظر، استفاده شده است.

در این گزارش جهت پیش‌بینی منرال‌ها، تیم‌های امور منرال‌ها از یک میتودولوژی کمیته سه‌بخشی ارزیابی منابع منرالی استفاده نموده اند: (۱) جمع‌آوری اطلاعات (دیتا)، (۲) ارزیابی و (۳) تحلیل اطلاعات^۳. از نتایج این پروسه جهت طرح‌ریزی تأمین مواد منرالی، برنامه‌ریزی در بخش‌های مرتبط به محیط زیست، برنامه‌ریزی در بخش‌های مرتبط به زمین، و پیش‌بینی‌های اقتصادی استفاده می‌شود.

در مرحله نخست (جمع‌آوری آمار و اطلاعات)، اطلاعات جمع‌آوری شده شامل ذخایر تثبیت شده و ذخایر احتمالی، اطلاعات جیوشیمی، و اطلاعات جیوفزیک می‌باشد. در افغانستان از نقشه‌های جیولوجیکی و ساحات منرالی از دیتابیس‌های اوریس و بلیس (Orris & Bliss) (۲۰۰۲) و دبیریچ و وال (Doeblich & Walh) (۲۰۰۶) استفاده شده است. بیشتر مشخصات ذخایر از آقای عبدالله و دیگران در سال (۱۹۷۷) دریافت گردیده است. بعداً تیم‌های ارزیابی اطلاعات جیولوجیکی ساحات را مورد مطالعه قرار داده و برای هر منرال مدل‌های مناسب ذخایر را انتخاب نموده اند، و معلومات مربوط را در هر مدل درج کرده اند. در مرحله ارزیابی، یک تیم تخنیک (الف) نقشه‌های معادن منابع منرالی را تهیه نمودند (برای هر یک از انواع ذخایر) که در منابع تخمینی کشف نشده منرالی و نوعیت ذخایر منرالی^۴ نشان داده شده است، (ب) تعداد ذخایر منرالی کشف نشده را تخمین نمودند، (ج) معلومات در رابطه به درجه منرال‌های محلی و تناژ ذخایر داخلی را در مقابل مدل‌های جهانی ذخایر مقایسه

^۱ چندین نقشه و گزارش از این دوره در کتابخانه‌های وزارت معادن و پترولیم و اداره سروی و جیولوجی وجود دارد، ولی یکتعداد زیاد آن‌ها به در زمان ختم مداخله روسیه یا متحدین اش به آن کشور انتقال داده شده است.

^۲ ارزیابی ابتدایی منابع منرالی غیر متعرق افغانستان که توسط سروی جیولوجی افغانستان و اداره سروی جیولوجی ایالات متحده امریکا (۲۰۰۷) انجام شده است.

^۳ طبقه بندی مطابق میکالیزم متالوگرافی توسط کوکس و سنگر (Cox & Singer) (۱۹۸۶) انجام شده است، صفحه ۱۳ گزارش.

^۴ صفحه ۷ گزارش ابتدایی.

^۵ این‌ها با در نظر داشت محیط جیولوجیک تشکیل که در بخش مدل ذخایر تشریح شده است، تعریف گردیده است؛ منابع کشف نشده از عمق ۱ کیلومتری سطح زمین تخمین شده است، که درمطابقت با فعالیت‌های معدن‌کاری صورت گرفته است.

نموده و تصمیم گرفته اند که آیا تطبیق مدل جهانی برای هر ذخیره خاص، مناسب است یا خیر. در حالت‌های که امکان‌پذیر بوده است، تیم‌ها تعداد ذخایر کشف‌نشده هر نوع را در مسیرهای کشف‌نشده مطابق قضاوت تخصصی، تراکم ذخایر، مدل‌های شبیه‌سازی مونت کارلو، و فرضیه‌های اکتشافی کمیته، تخمین نموده اند.

در مرحله تحلیل، یک تیم تخنیک‌ی و اقتصادی، از یک برنامه شبیه‌سازی منابع و داده‌های اقتصادی (مانند مدل‌های جریان نقدی، و تحلیل منابع/نتایج) جهت طرح پیشنهادات اقتصادی و پالیسی برای پالیسی‌سازان، استفاده نموده اند. نتایج اولیه این مطالعات، ۲۴ ساحه تثبیت شده مورد نظر بود.

این مطالعات نشان می‌دهد که افغانستان دارای منابع وسیع فلزات، منرال‌های صنعتی و مواد تعمیراتی می‌باشد. مقادیر بزرگ فلزات به شمول سنگ‌های معدنی حاوی رگه‌های آهن، مس، المونیم، فلزی، شرب و جست در مناطق مختلف کشور وجود دارد. همچنان، مقدار قابل توجهی از فلزات قیمتی اعم از طلا، نقره، و مولیبدنوم (molybdenum) در کشور وجود دارد. بر علاوه، فلزات صنعتی به شمول سنگ‌های قیمتی، فلزات خاکی کمیاب، سلفر، تالک، سنگ گچ، کرومیت، و غیره به‌طور وافر در مناطق مرکزی افغانستان، بغلان، کندز، لوگر، خوست و بعضی مناطق دیگر و همچنان مواد تعمیراتی به‌طور وافر در سراسر کشور وجود دارد. در اخیر این گزارش، جدول مهمترین منابع منرالی ضمیمه گردیده است.

۱- فلزات اساسی

تحلیل را با بررسی فلزات اساسی شامل آهن، مس، طلا، و المونیم آغاز می‌نماییم:

• **طلا:** تخمین شده است که در افغانستان در حدود ۲۷۰۰ کیلوگرام طلا وجود دارد. در افغانستان دو رگه عمده طلا وجود دارد: یکی از جنوب غرب بدخشان به طرف تخار امتداد یافته و دیگری در قسمت جنوب غرب از غزنی به طرف زابل امتداد یافته است. این ذخایر طلا در ولایت‌های بدخشان، غرب زابل، و غزنی موقعیت دارد. در این بخش امکان اکتشافات بیشتر نیز وجود دارد.

• **آهن:** آهن یکی از منابع فراوان منرال‌های افغانستان می‌باشد. ذخایر سنگ‌های رسوبی آهن در مناطق مرکزی افغانستان به شکل وافر وجود دارد. معادن آهن حاجیگگ دارای ۲ میلیون متریک تن مواد معدنی با ظرفیت ۲۹-۶۳ درصد آهن می‌باشد. به صورت مجموعی ذخایر سنگ آهن متحرق تخمیناً دارای ۱۷۸ میلیون متریک تن آهن ۴۷-۶۸ درصد وجود دارد به شمول سنگ فومورا که ۳۵ میلیون متریک تن آن را تشکیل می‌دهد. در این رابطه اکتشافات بیشتر آهن باید صورت گیرد.

• **مس:** این فلز یکی از مهمترین منابع فلزی غیر آهنی در افغانستان می‌باشد. مجموع ذخایر مس رسوبی تقریباً ۳۰ میلیون متریک تن (شامل ۱۲,۳ میلیون متریک تن ذخایر معلوم + ۱۶,۹ متریک تن ذخایر احتمالی) تخمین شده است. همچنان تخمین شده است که در این ذخایر یک مقدار زیاد فلزات مرتبط (۷۶۷۰ متریک تن نقره + ۶۰۱۵۰۰ متریک تن کوبالت) وجود دارد. بر علاوه، با استفاده از مدل عمومی ترکیب سنگ سماق در ۱۲ منطقه کشور، تخمین شده است که حد اقل ۸ ذخیره ترکیب سماق-مس کشف‌نشده دارای ۲۸,۵ میلیون تن مس، ۷۲۴۰۱۰ متریک تن مولیبدنوم (molybdenum)، و ۶۸۲ متریک تن طلا، وجود دارد.

• **المونیم:** ذخایر ولایت‌های زابل و بغلان دارای ۴,۵ میلیون متریک تُن سنگ باکسیت (۵۰,۵ درصد المونیم و ۱۲ درصد سلیکا) می‌باشند. هرچند در مقایسه با جاهای دیگر این ذخایر دارای مقدار کمتر المونیم و دارای مقدار بیشتر سلیکا بوده و برای تولید المونیم نیاز به مقدار زیاد انرژی برق دارد.

• **سایر فلزات اساسی:** افغانستان همچنان دارای مقدار قابل ملاحظه سُرَب، جست، قلعی، تنگستن (tungsten) و سیماب می‌باشد. بزرگترین ذخیره سُرَب/جست در ولایت کندهار بوده که دارای ۹۰,۰۰۰ متریک تُن از این مواد می‌باشد. قلعی و تنگستن نیز به پیمانۀ زیاد در افغانستان وجود دارند ولی نیاز به مطالعات بیشتر جهت معلوم نمودن اندازه و نوعیت آن می‌باشد. ذخایر سیماب در جنوب غرب افغانستان به مقدار ۳۲۰۰۰ متریک تُن موجود بوده که می‌تواند یک صنعت داخلی سیماب را حمایت کند.

۲- منرال‌های صنعتی

منرال‌های صنعتی عبارت از مواد معدنی غیر قابل احتراق، غیرفلزی و جیولوژیکی که دارای ارزش بالقوه اقتصادی می‌باشند، هستند. در ذیل منرال‌های صنعتی اساسی به شمول سنگ‌های قیمتی، منرال‌های خاکی کمیاب، یورانیوم، کرومیت، سلفر و تالک مورد مرور قرار گرفته اند:

• **سنگ‌های قیمتی:** افغانستان از لحاظ تاریخی یکی از منابع عمده لاجورد، زمرد و یاقوت بوده است. قبل از سال ۱۹۷۹ سنگ‌های قیمتی و نیمه قیمتی یکی از صنایع عمده افغانستان بوده است. بسیاری از سنگ‌های قیمتی در قسمت شمال شرق افغانستان (ولایت‌های بدخشان، کنر و نورستان) موقعیت دارند. این سنگ‌ها شامل ذخایر زمرد در ولایت پنجشیر، موجودیت یاقوت سرخ، یاقوت کبود و اسپینل در ساحه جگدلک و موجودیت لاجورد در ولایت بدخشان می‌باشند.

• **منرال‌های خاکی کمیاب:** طور تخمینی در افغانستان ۱,۴ میلیون متریک تُن منرال‌های خاکی کمیاب وجود دارند. همچنان ۳,۵ میلیون متریک تُن سایر منرال‌های نادر هستند که شامل مقدار زیاد منرال‌های نادر منطقه خانشین در جنوب افغانستان نیز می‌گردد. تصمیم‌گیری در مورد منرال‌های نادر و یورانیوم نظر به ملاحظات اقتصادی و امنیت ملی خواهد بود. شورای امنیت ملی یک پالیسی برای منرال‌های خاکی کمیاب را ترتیب خواهد داد، با در نظر داشت محدودیت‌ها در پالیسی شورای امنیت ملی، ارزیابی تخنیکی و اقتصادی داوطلبی‌های منرال‌های نادر نیز به شکل سایر قراردادهای معادن صورت خواهد گرفت.

• **کرومیت:** به‌طور تخمینی ۹۸۰,۰۰۰ متریک تُن کرومیت اکساید وجود دارند که شامل منابع تثبیت شده در دره لوگر ۲۰۰,۰۰۰ متریک تن (۴۳ درصد وزن) می‌گردد.

• **سلفر:** دو ذخیره تثبیت شده در باخود و بدخشان تقریباً دارای ۴۵۰,۰۰۰ متریک تُن سلفر می‌باشند. تخمین احتمالی موجودیت ذخایر سلفر در حوزه دریایی افغان-تاجیک به‌طور متوسط ۶ میلیون متریک تُن سلفر کشف نشده را در این ساحه نشان می‌دهد.

• **تالک:** تالک متامورفیک در ذخایر ولسوالی اچین در جنوب شهر جلال‌آباد وجود دارد که بزرگترین ذخایر در نوع خود در افغانستان می‌باشند. این ذخایر دارای ۱,۲۵ میلیون متریک تُن تالک و ۳۱۲,۰۰۰ متریک تُن مگنیزیت می‌باشند. احتمال می‌رود که ذخایر بیشتر در عین نوع سنگ‌ها در مجاورت آن وجود داشته باشد.

^۶ این‌ها شامل باریت، بوکسیت، کاربوناتیت، celestite، ذغال سنگ، کلاسه، خاک رس، سنگ چونه، فلورایت، نمک، سلفر، تالک، سنگ تراورتن و مگنیزیم می‌شود.

• **سایر فلزات صنعتی:** ذخایر بیشتر پنبه ناسوز (abestos) (۱۳,۴ میلیون متریک تُن)، باریت (۱۵۰ میلیون متریک تُن)، سلسیت (۱ میلیون متریک تُن)، گل رس (۲,۲ سانتی متر خشت گل) پگماتیت (۳,۸ میلیون متریک تُن از لیتیم اکساید)، و پتاش (۲۷,۵ میلیون متریک تُن) می باشند. این منابع می توانند که فرصت های عالی معادن را ارائه نموده و سبب اشتغالزایی در سراسر کشور گردند.

۳- مواد ساختمانی

در مرحله بعدی مواد ساختمانی، به شمول سنگ های تعمیراتی / تزئینی و سنگ / جغل را مورد بررسی قرار داده ایم:

• **سنگ های تعمیراتی / تزئینی:** کوه های افغانستان دارای مقدار فراوان سنگ های تعمیراتی و تزئینی می باشند. گرانیت، مرمر، سنگ گچ و سنگ ریگ به پیمانۀ زیاد موجود می باشند. ذخایر سنگ گچ که مناسب به تولید سمنت بوده در افغانستان به پیمانۀ وسیع وجود داشته که ذخایر قابل استخراج آن در ولایت های بدخشان، بغلان و هرات تثبیت گردیده اند.

• **ریگ/جغل:** افغانستان از منابع فراوان ریگ، جغل و سنگ برای تولید جغل برخوردار می باشد. ریگ و جغل مناسب به صنعت داخلی بیشتر در نزدیکی ساحات رهاشی وجود دارند.

۴- منابع هایدروکاربن

افغانستان دارای منابع وسیع نفت و گاز می باشد. دو حوزه بزرگ هایدروکاربن در افغانستان عبارت از آمو دریا و حوزه نفتی افغان-تاجیک می باشند. این دو حوزه در قسمت های که در افغانستان قرار دارد تقریباً دارای ۵۱۵۰۰۰ کیلومتر مربع هایدروکاربن می باشد. از زمانی که اولین ساحه مواد نفتی در افغانستان در سال ۱۹۵۹ کشف گردید، بیشتر از ۱۵۰ میلیون بیرل ذخیره مواد نفتی و بیشتر از ۴۵۰۰ میلیارد فـت مکعب ذخایر گاز در ۲۹ ساحه آمو دریا و حوزه دریایی افغان-تاجیک در ساحه مربوط افغانستان شناسایی گردیده اند. فقط یک مقدار کمی از این منابع استخراج گردیده اند. با استفاده از تخنیک های عصری می توان مقدار زیادی از این منابع را کشف و به ذخایر افغانستان اضافه نمود. این ذخایر برای توسعه اقتصادی کشور حائز اهمیت می باشد.

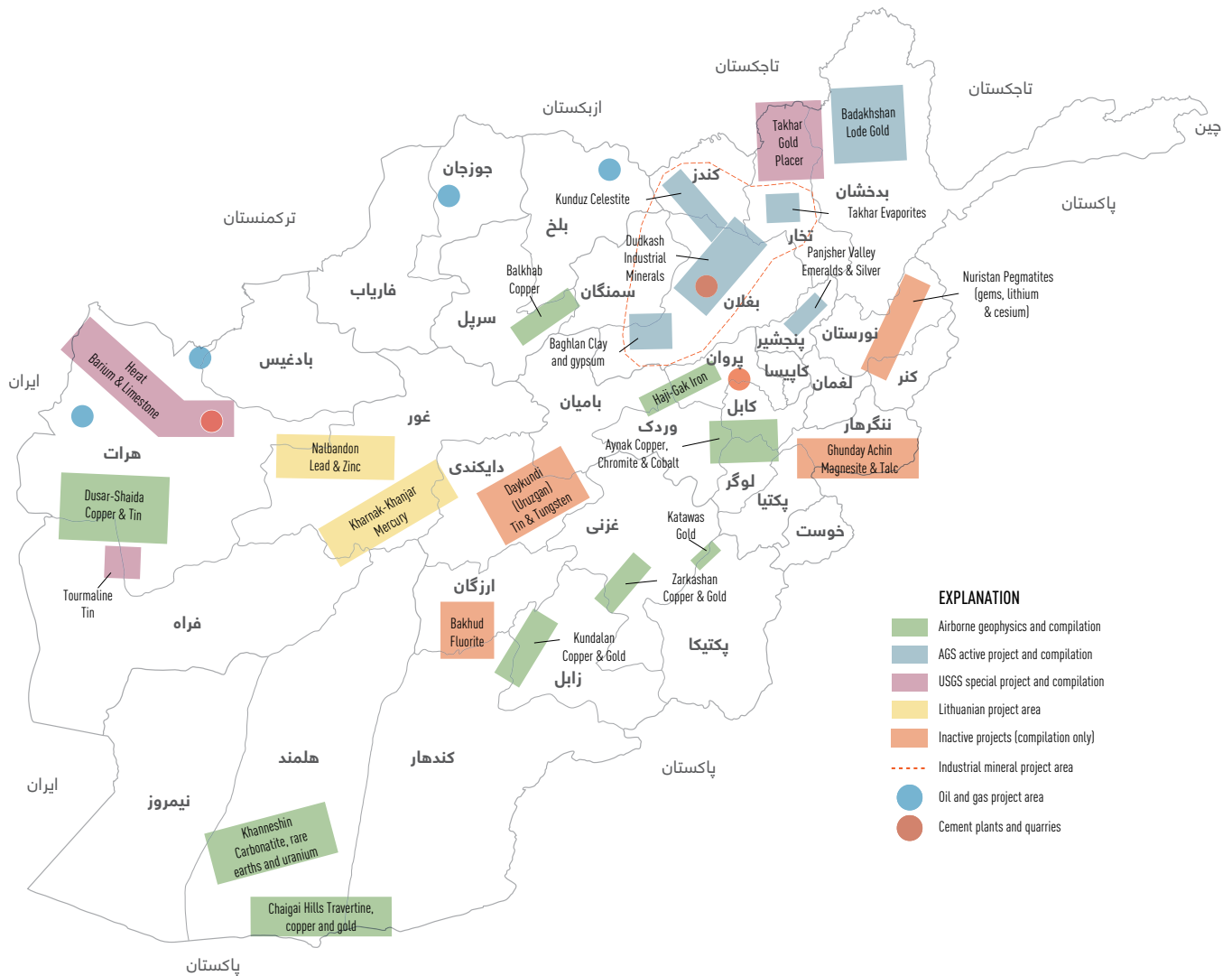
در حوزه نفتی آمو دریا، قسمت اعظمی از نفت خام و گاز طبیعی در سنگ های جوراسیک کلاستیک (Jurassic clastic)، جوراسیک کاربونت ریف (Jurassic carbonate reef)، سنگ های تخته ای و سنگ های کریتاسیوس کلاستیک کشف گردیده اند. (۵۵۰ متر زیر اعماق آب). در حوزه دریای افغان-تاجیک، قسمت اعظمی از نفت خام و گاز طبیعی در سنگ های کریتاسیوس کاربونت و پالیوجن کلاستیک کشف گردیده اند. (۳۷۰ متر زیر اعماق آب). یک مطالعه سال ۲۰۱۱ منابع کشف نشده ولی از لحاظ تخنیکی قابل کشف این دو حوزه را ۱,۶ میلیارد بیرل نفت (۲۲۰ میلیون متریک تن) و ۴۴۰ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی برآورد نموده است.

برعلاوه این دو حوزه بزرگ تثبیت شده هایدروکاربن، مقدار کمتر هایدروکاربن کشف نشده در سه حوزه که در غرب و جنوب افغانستان موقعیت دارند، وجود دارند: (۱) حوزه تریپول که در غرب افغانستان موقعیت دارد، از شرق هرات به مرز ایران در غرب امتداد یافته است، (۲) حوزه هلمند که در جنوب غرب کشور موقعیت دارد و (۳) حوزه دریایی کتواز که در جنوب کشور موقعیت دارد، دارای سنگ های خاص در قسمت اتصال صفحات تکنونیک هندی می باشد. حوزه های هلمند و کتواز تخمین نگردیده اند ولی حوزه تریپول در سال ۲۰۰۹ تخمین گردید که دارای ۲۲ میلیون بیرل نفت و ۱,۳ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی می باشد.

0- ساحات مورد نظر

در مطالعات ابتدایی منرال‌ها، بیست و چهار ساحه مورد نظر تثبیت گردیده است. یک تعداد از این ساحات توسط اداره سروی جیولوجی ایالات متحده آمریکا (USGS) در بین سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۱ بررسی گردیده و بعداً در دو نسخه اضافی تحقیقاتی با جزئیات بیشتر خلاصه گردیده اند. این معلومات شامل آمارها راجع به سیستم معلومات جغرافیایی (GIS)، گزارش‌های آرشیف شده، نقشه‌ها، معلومات جدید تحقیقاتی و همچنان یک بسته داوطلبی مکمل برای هر ساحه مورد نظر، می‌گردد.

افغانستان: ساحات مورد نظر

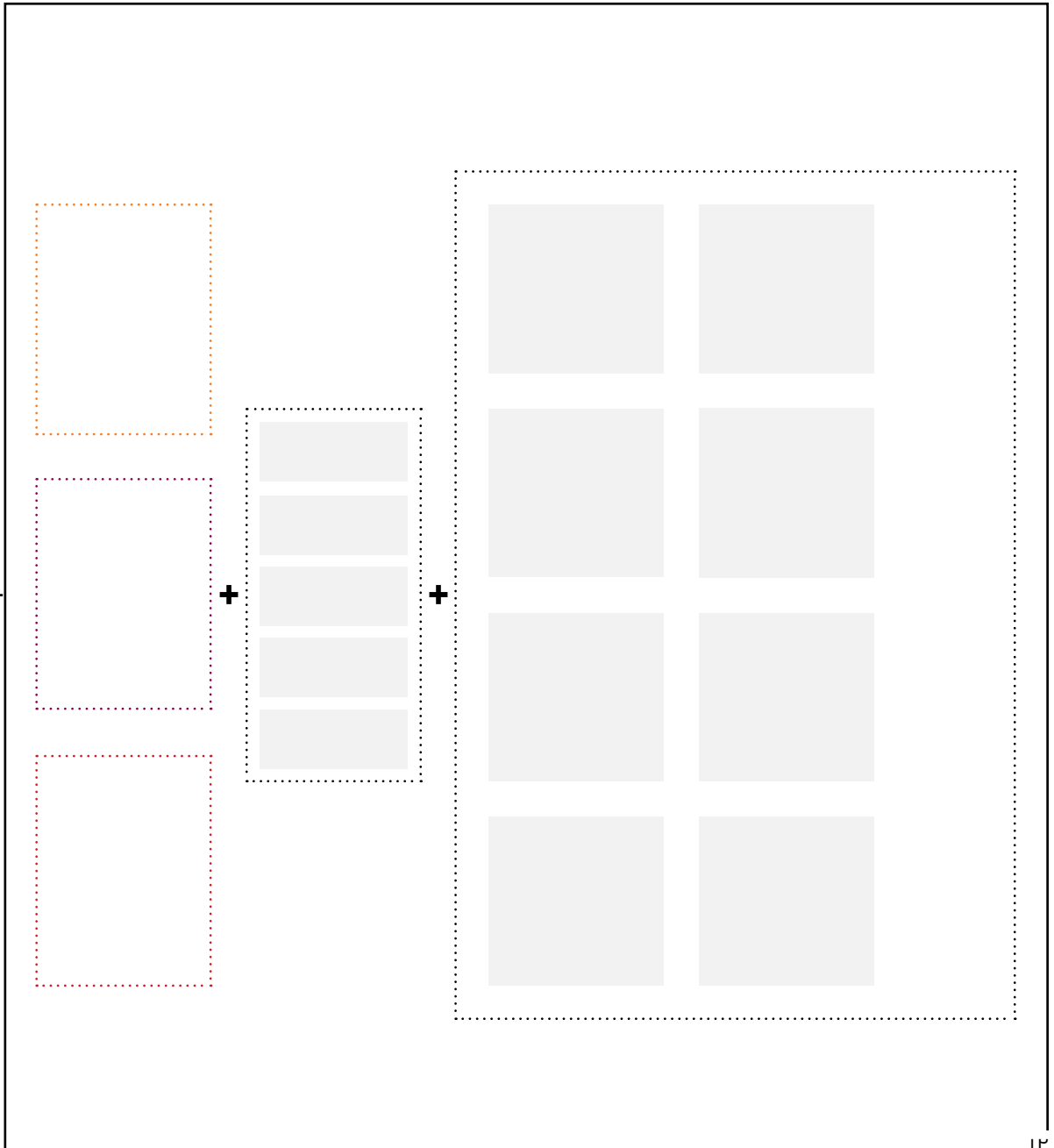


ساحات مورد نظر دارای ذخایر تثبیت شده منرالی بوده که به رؤیت نمونه‌گیری از حفره‌ها و یا هم کارهای زیر زمینی محاسبه گردیده‌اند. این ساحات دارای مقدار زیاد مواد بوده که خطرات احتمالی سرمایه‌گذاری بالای آن را کاهش داده و ساحاتی هستند که باید در قدم اول به داوطلبی گذاشته شوند.

^۲ «خلاصه ساحات مهم برای سرمایه‌گذاری در بخش منرال‌ها و فرصت‌های تولید برای منرال‌های غیر نفتی در افغانستان»، توسط اداره سروی جیولوجی افغانستان و اداره سروی جیولوجی ایالات متحده آمریکا (جلد ۱ و ۲)

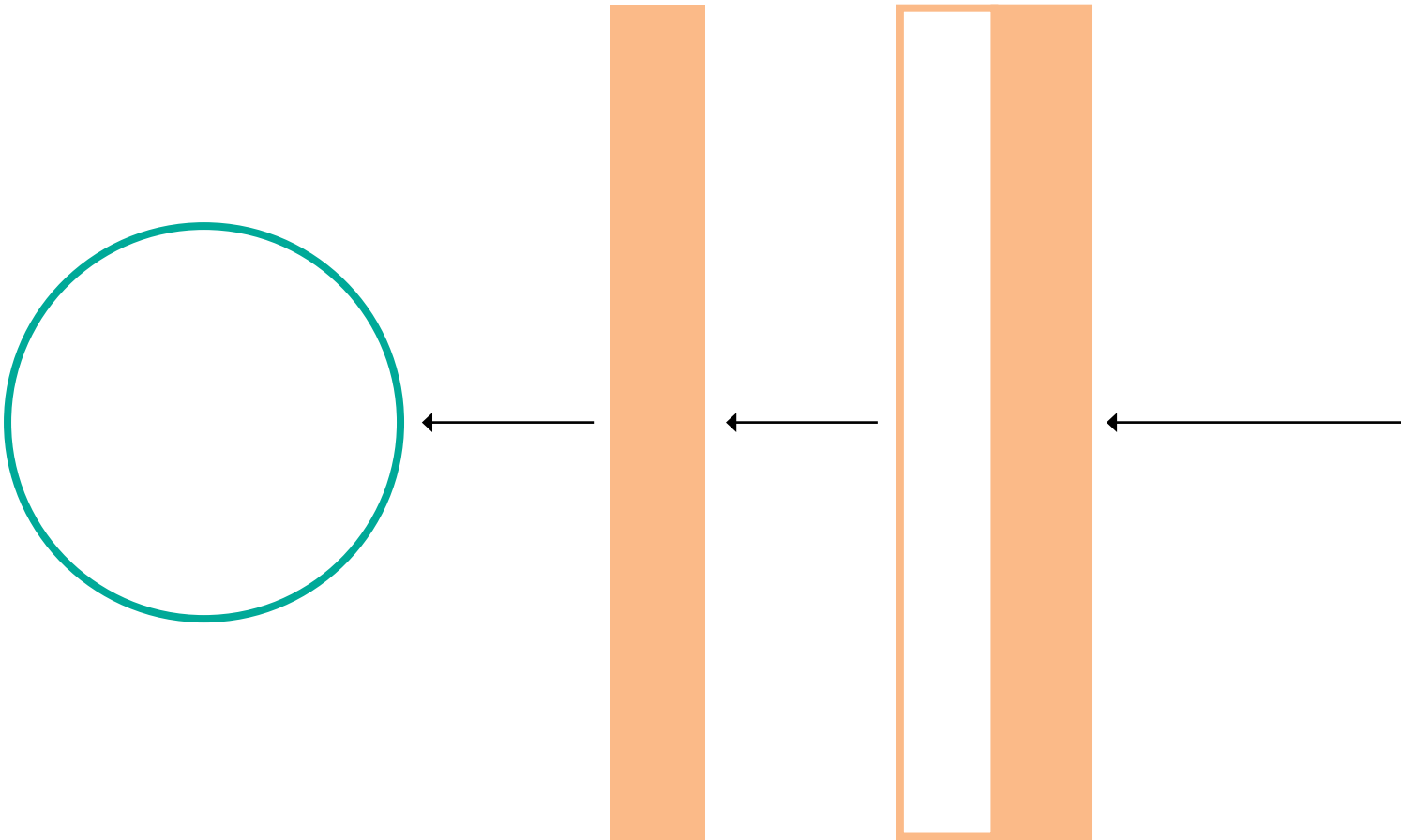
تحقیقات برای هر ساحه مورد نظر سه فصل معلومات را ارایه داده است: فصل الف: جیولوجی اقتصادی را مورد بحث قرار داده، فصل ب: معلومات فراطیفی و ناهنجاری فراطیفی را مورد بحث قرار داده است. و فصل ج: جیوهایدروولوجی را مورد بحث قرار داده است.

برای ترتیب نمودن بسته معلوماتی برای هر ساحه مورد نظر از روش‌های مختلف تحقیق استفاده شده است. اولاً، معلومات آرشیف شده موجود گردآوری گردیده اند. دوماً، یک نقشه دیجیتل ارتفاعی (DEM) و دیتابیس با استفاده از ستلایت (ASTER) ترتیب شده است. در قدم سوم، تیم تحقیقاتی معلومات فراطیفی را ترتیب داده تا موجودیت منرال‌های انتخاب شده را نظر به مشخصات جذب، تثبیت نمایند. در مرحله چهارم روش معلومات جیوفیزیکی، معلومات موجود را با سروی‌های جدید مقناطیسی هوایی و مقناطیسی زمینی یکجا نموده تا در نتیجه یک نقشه و مجموعه اطلاعات برای هر ساحه مورد نظر ترتیب گردد. در مرحله پنجم، معلومات جیوهایدروولوجیک ترتیب گردید تا نظر به آن از موجودیت فصلی آب اطلاع حاصل گردد که شامل تکمیل تحلیل جریان آب در افغانستان نیز می‌باشد.



در اخیر، از محدوده عملیاتی منرالها استفاده صورت گرفت تا از ساحات مختلفی که مورد نظر هستند، بازدید صورت گرفته و نقشه برداری و سوابق آن تصدیق گردند.

با مرور نمودن منابع وسیع منرالی افغانستان و ساحات مورد نظر، اکنون زمان آن است تا تنگناها و موانعی که استخراج این منابع را محدود نموده است مورد بحث قرار دهیم. با شناسایی محدودیت‌های عمده، ما قادر به ترتیب استراتیژی برای از بین بردن این محدودیت‌ها خواهیم بود. با از میان برداشتن محدودیت‌ها می‌توان از منابع طبیعی یک منبع پایدار برای شهروندان به میان آورد.



محدودیت‌های فراروی سکتور معادن

علی‌الرغم موجودیت منابع سرشار مواد معدنی در سراسر کشور، در قرن‌های بیستم و بیست‌ویکم در زمینه توسعه معادن کشور به مقیاس وسیع، پیشرفت اندکی صورت گرفته است.

دلایل عمده فراروی این روند، موجودیت محدودیت‌های وسیعی است که تا اکنون رفع نگردیده‌اند. این بخش بررسی اجمالی محدودیت‌های اصلی فراروی این روند را ارائه می‌دارد.

محدودیت	شرح مختصر
زیربنا	
ترانسپورت	برای انتقال مواد معدنی و فلزات سنگین به بازارهای مصرفی، به داشتن زیربنای ترانسپورتی گسترده نیاز است. ما می‌توانیم در مورد ایجاد یک زیربنای ترانسپورتی وسیع تعمق کنیم، از نداشتن زیربنای ترانسپورتی جهت انتقال احجار قیمتی کوچک مانند سنگ‌های قیمتی تا داشتن زیربنای شبکه خط آهن گسترده جهت انتقال آهن. در حال حاضر دولت افغانستان با کار روی پروژه‌های خط آهن و سرک‌سازی می‌خواهد با گذشت زمان از میزان این محدودیت‌ها بکاهد.
برق	جهت انجام فعالیت‌های معدن‌کاری و پروسس سنگ معدن، به داشتن زیربنای گسترده تأمین انرژی برق نیاز است. در عمده‌ترین مورد، جهت تولید المونیم به سرمایه‌گذاری قابل ملاحظه در بخش تأمین انرژی برق نیاز است.
زمین	روند اخذ زمین در افغانستان شامل یک پروسه پیچیده و نامعلوم برای سرمایه‌گذاران می‌باشد. دولت افغانستان یک اداره واحد (اراضی) را برای مدیریت موارد مرتبط به زمین، ایجاد نموده است.
آب	جهت پروسس مواد معدنی به منابع آبی سرشار نیاز است. پالیسی واضح باید تهیه و ترتیب شود که امور استفاده از آب و معیارهای محیط زیستی مربوط به آب را تعریف کند.
روبا	
حاکمیت قانون	قراردادهای معدن‌کاری را می‌توان الی ۳۰ سال تمدید کرد. در چنین قراردادهای، هم‌جانب سرمایه‌گذار و هم دولت باید از حاکمیت قانون و ملزم بودن به انجام تعهدات قرارداد اطمینان داشته باشند. دولت جمهوری اسلامی افغانستان حاکمیت قانون را به مثابه اساس پالیسی انکشافی توسعه داده است.
امنیت	جهت انجام فعالیت‌های معدن‌کاری به سرمایه‌گذاری‌های بزرگ در این عرصه نیاز است، به ویژه در ساحات وسیع جغرافیایی. برای چنین سرمایه‌گذاری‌های بزرگ تأمین امنیت یک امر حتمی می‌باشد.
تدارکات	تدارکات در گذشته یک معضل خیلی جدی بوده است. جهت رفع این معضل، حکومت افغانستان یک اداره کاملاً مسلکی و یک کمیسیون را در بخش تدارکات ایجاد نمود که در رأس آن رئیس جمهوری اسلامی افغانستان قرار داشته و جلسات خویش را طور هفته وار دایر می‌نماید.
مسائل باقیمانده از گذشته	وزارت معادن و پترولیوم در زمینه قراردادهای که مواد آن اجراء نشده است، پیشینه دارد. در این اواخر دولت افغانستان اقداماتی را روی دست گرفته است که وضعیت قراردادهای را تصفیه و یا درباره آن اقدامات لازم را روی دست گیرد.
مشارکت اجتماعی	ارزیابی‌های تأثیرات اجتماعی یکی از اجزای متداول پروژه‌های معدن‌کاری است. اما از آنجایی که اکثر کشورها از چارچوب مشارکت اجتماعی برخوردار نیستند، افغانستان تمام پروژه‌های اجتماعی را از طریق برنامه ملی میثاق شهروندی تطبیق می‌کند.
موارد مربوط به محیط زیست	ارزیابی تأثیرات محیط زیستی، یکی از اجزای متداول پروژه‌های منابع طبیعی می‌باشد. ما یک چارچوب واضح این تأثیرات را در مطابقت با معیارهای جهانی ترتیب داده ایم.
قوای بشری	ما به کمبود قوای بشری در قسمت مدیریت و رهبری سیستم‌های مورد نیاز برای توسعه منابع طبیعی مواجه هستیم. آموزش و استخدام به صورت معمول بوده که در نتیجه استفاده ضعیف از کمک‌های تکنیکی صورت گرفته است. به منظور رفع این محدودیت ما یک پلان کاری مرتبط به قوای بشری را ترتیب و تطبیق خواهیم نمود.
معلومات	معلومات کافی و مورد نیاز جهت کمک به پالیسی‌سازان در قسمت تصمیم‌گیری و سرمایه‌گذاری توسط سکتور خصوصی تا هنوز هم برای قسمت‌های عمده منابع طبیعی کشور در دسترس نیست. ما در قسمت دستیابی به معلومات و سیستم مدیریت معلومات سرمایه‌گذاری خواهیم نمود که شامل اکتشاف تیل و گاز نیز می‌گردد و ما را قادر به کنترل منابع طبیعی کشور توأم با رشد پایدار می‌سازد.

در دراز مدت، ایجاب می‌نماید تا محدودیت‌های فوق‌الذکر جهت رشد سکتور معادن در افغانستان، رفع گردند. در وضعیت کنونی، با در نظر داشت پیشرفت‌های چند سال اخیر برای رفع این محدودیت‌ها، و با در نظر داشت محدودیت‌های موجود باید ما اصلاحات را در این سکتور شکل دهیم. به صورت کل، ما برای رفع این محدودیت‌ها دارای یک برنامه توسعه ملی جامع هستیم. بیاید این تغییرات را به طور اجمالی ذکر نماییم:

زیربنا

• **ترانسپورت:** دولت جمهوری اسلامی افغانستان در راستای بهبود زیربنای ترانسپورتی سرمایه‌گذاری نموده است که می‌توان از امضای چندین موافقت‌نامه تجاری و ترانزیتی، و نیز سرمایه‌گذاری بالای سرک‌ها، خط آهن، تسهیلات میدان هوایی یادآوری نمود. این امور مشعر بر آنست که محدودیت‌های ترانسپورتی برای اجناس قیمتی مانند زمرد و طلا غالباً بر طرف گردیده است، و با گذشت زمان این محدودیت ترانسپورتی در مورد منرال‌های سنگین (توده‌ای) رفع خواهد گردید.

در زمینه موافقت‌نامه‌های بین‌المللی، منطقه‌یی، تجارت متقابل، و ترانزیتی، در این اواخر گام‌های مثبتی را برداشته ایم. مهمتر این که، افغانستان عضویت سازمان تجارت جهانی را کسب نموده است، این امر افغانستان را شامل سیستم و مقررات تجارت جهانی می‌سازد. در زمینه موافقت‌نامه‌های منطقه‌یی، موافقت‌نامه راه لاجورد، دسترسی مستقیم افغانستان را به بازارهای اروپا از طریق ترکمنستان، آذربایجان، گرجستان، و ترکیه میسر می‌سازد. موافقت‌نامه چابهار، دسترسی مستقیم افغانستان را به بحر از طریق بندر چابهار ایران میسر می‌سازد. در زمینه موافقت‌نامه‌های دوجانبه، ما یک موافقت‌نامه تجارت و ترانزیت را با کشور ازبکستان امضاء نموده ایم که با استفاده از خط آهن آن می‌توان به قزاقستان و بعداً به چین صادرات نمود. همچنین، قرار است ما با پاکستان در مورد اعطای حق عبور زمینی به هندوستان (در چهارچوب سازمان تجارت جهانی) مذاکره نماییم.

در زمینه سرمایه‌گذاری بالای ساخت سرک، اتمام کار ساخت سرک حلقوی قیصار-لامان در شمال غرب افغانستان که ارتباطات را با کشورهای همجوار بیشتر می‌سازد (مثلاً، شاهراه دوم میان جلال‌آباد و پاکستان)، و همچنین سبب وصل مناطق مرکزی افغانستان با سرک حلقوی (به طرف شمال یکاولنگ با دره صوف، به طرف جنوب با بامیان الی سرک میدان‌شهر، سرک دوشی-بامیان، شاهراه شرق-غرب، و سرک بامیان-ارزگان-کندهار) می‌گردد، از تغییرات مهم به حساب می‌آیند. بر علاوه، ساخت سرک‌های فرعی در کشور به سرعت ادامه دارد.

در قسمت خط آهن، افغانستان توسط سه خط آهن با کشورهای همسایه وصل شده است: (۱) با ازبکستان از طریق حیرتان، (۲) با ترکمنستان از طریق آقینه و اندخوی، و (۳) با ایران الی نزدیکی شهر هرات. مطالعات امکان‌پذیری وصل شمال با تاجیکستان توسط خط آهن (شیرخان بندر)، با مزارشریف و ازبیکستان (از حیرتان) تکمیل گردیده است. همچنان کار بالای مطالعات امکان‌پذیری وصل این خط شمال به ایران عنقریب آغاز می‌شود. در دراز مدت، در نظر داریم تا شبکه خط آهن را با ساحات عمده مورد نظر معادن وصل نماییم.

در قسمت میدان‌های هوایی، افغانستان از تسهیلات خوب در میان میدان‌های هوایی جهان برخوردار می‌باشد. از لحاظ توانایی، هشت میدان هوایی ما در سطح جهانی قرار دارند، و ما در صدد تدوین یک استراتژی جامع جهت تغییر آن‌ها به زون‌های آزاد اقتصادی با گذشت زمان، هستیم. ما دهلیز هوایی را افتتاح نمودیم تا اجناس تجار افغانستان را به اسرع وقت به بازارهای منطقه‌یی انتقال دهیم. هر چند تا اکنون از این برنامه برای رشد صادرات میوه‌های تازه و خشک افغانستان استفاده صورت می‌گیرد؛ اما امکان دارد که از این برنامه جهت انتقال سریع اجناس دیگر مانند طلا، تالک و سنگ‌های قیمتی به بازارهای بین‌المللی استفاده نمود.

• **انرژی برق:** برای فعالیت‌های معدن‌کاری و پروسس منرال‌ها، مقدار زیاد انرژی برق ضرورت است. برق افغانستان از سابق از طریق ۹ شبکه تأمین می‌شد، در خلال سه یا چهار سال این شبکه‌ها با هم، و نیز با بازارهای برق منطقه‌یی وصل خواهد شد. با تطبیق این استراتژی، برق کافی برای مردم افغانستان و نیز برای ضروریات تجاری و فعالیت‌های معدن‌کاری فراهم خواهد گردید.

در قسمت واردات انرژی، ما چندین موافقت‌نامه را با کشورهای ترکمنستان و ازبکستان به هدف تأمین ۴۵۰۰ مگاوات برق برای افغانستان به امضاء رسانیده ایم. بر علاوه، ما برای تمدید این شبکه در سراسر کشور سرمایه‌گذاری هنگفت نموده ایم. در قسمت تولید انرژی، اخیراً بازار تولید انرژی را به روی سرمایه‌گذاری سکتور خصوصی باز کرده ایم، این امر سبب امضای دو قرارداد تولید مستقل برق شده است. این فعالیت‌ها هم اکنون کمبود برق را در ولایت‌های شمالی کاهش داده است. تمدید لاین برق ۳۰۰ مگاوات دوشی-بامیان سبب کاهش کمبود برق در ولایت‌های مرکزی کشور خواهد شد. همچنان تطبیق پروژه گاز تاپی و تاپ-۵۰۰ امکانات تولید انرژی را برای مناطق غربی و جنوبی افغانستان میسر خواهد ساخت. در نهایت، برای محلات کوچک و خارج از شبکه، در نظر داریم تا پروژه‌های انرژی قابل تجدید را تطبیق نماییم.

• **زمین:** دریافت زمین در اکثر کشورها می‌تواند یک پروسه مغلق باشد. هر چند قسمت عمده از منابع طبیعی افغانستان در ساحات غیرمسکونی موقعیت دارند، ولی یک قسمتی از آن در ساحات زراعتی، صنعتی و حتی ساحات مسکونی واقع شده است. اگر تملک زمین ضرورت شود، افغانستان قانون مرتبط را تصویب نموده و در ارتباط با تمام موضوعات مرتبط با زمین اداره مستقل اراضی افغانستان را ایجاد نموده است.

• **آب:** آب برای فعالیت‌های معدن‌کاری و پروسس مواد معدنی و همچنان برای جوامع محلی ساحة معدن‌کاری، بسیار مهم می‌باشد. دولت جمهوری اسلامی افغانستان در صدد ترتیب پالیسی آب بوده که به شکل واضح حقوق آب را برای تمام مردم ذیدخل مشخص خواهد ساخت. این کار، شامل اولویت‌بندی پروژه‌های باثبات اقتصادی برای بندها، پروژه‌های آبیاری، مردم محل و سکتور معادن می‌گردد. در این پالیسی، ما چارچوبی را با سبک‌وسنگین کردن استفاده‌های متنوع از آب را مشخص می‌نماییم که در آن از اولویت دادن به سکتور معدن اطمینان حاصل می‌گردد. این چارچوب از طریق ۵ حوزه دریایی عمده افغانستان و انشعابات آن عملی خواهد گردید.

روبا

• **حاکمیت قانون:** شرکت‌های معدن‌کاری خواهان ثبات در عرصه قانون معادن و در عرصه قراردادهای معدن‌کاری هستند تا بدین ترتیب بتوانند در قسمت سرمایه‌گذاری‌های طویل‌مدت به اتخاذ تصمیم پردازند. متأسفانه افغانستان در طول تاریخ با مشکلات ناشی از قوانین مبهم، دستکاری پروسه‌های داوطلبی و فساد گسترده مواجه بوده است. به هر حال، ما در سه بخش ذیل گام‌هایی را برداشته ایم: (۱) ایجاد مبنای حقوقی برای اقتصاد بازار، (۲) حصول اطمینان از پروسه‌های شفاف تصمیم‌گیری در قبال اتخاذ تصمیم اقتصادی و تدارکاتی، (۳) بهبود ثبات قراردادهای، و (۴) پذیرفتن میکانیزم‌های بین‌المللی حل منازعات.

به‌منظور طرح قانون مورد نیاز برای اقتصاد بازار، ما در مرحله تصویب قوانین متعدد قرار داریم (طور مثال، بازنگری قانون شرکت‌ها، تصویب قانون جدید افلاس و ورشکستگی). برای حصول اطمینان از ترویج شفافیت در پروسه‌های اقتصادی و قراردادهای، هم‌اکنون تمامی قراردادهای بزرگ در کمیسیون تدارکات ملی مورد تصویب قرار می‌گیرد، پالیسی اقتصادی در شورای عالی اقتصادی تهیه و ترتیب گردیده و موضوعات مرتبط با فساد، در شورای عالی حاکمیت قانون و مبارزه علیه فساد اداری مورد بررسی قرار می‌گیرد. جهت بهبود ثبات قراردادهای، دولت جمهوری اسلامی افغانستان مشاورین بین‌المللی را برای ایجاد و رایه مشوره در ارتباط به شرایط قراردادهای و پروسه‌های داوطلبی استخدام نموده است. به مرور زمان ما از قراردادهای معیاری کار خواهیم گرفت. علاوه بر این، ما رهبری جدید را در رأس نهادهای حقوقی خود گماشته‌ایم و برای مقامات سکتور

حقوقی صلاحیت بیشتری تفویض نموده‌ایم (به‌شمول معاون رئیس جمهوری منیث مسوول بازنگري قانون، قاضی القضاة جدید در رأس ستره محکمه و لوی سارنوال جدید).

در نهایت امر، در قسمت پذیرفتن میکانیزم‌های بین‌المللی حل اختلافات و حکمیت برای اعطای قراردادهای بزرگ یک مؤافقت کلی وجود دارد. ما از یک وضعیتی که در آن قراردادهای به شکل غیرشفاف و بر اساس منافع شخصی اعطا می‌گردید، به سوی یک پروسه مبتنی بر قانون و شفاف در عرصه اعطای قراردادهای گام برداشته‌ایم. این پروسه باید برای سرمایه‌گذاران بخش معادن اطمینان دهد که چارچوب حقوقی افغانستان و نیز شرایط قراردادهای و پروسه داوطلبی، در قسمت اتخاذ تصمیم سرمایه‌گذاری ثابت را فراهم می‌کند. این کار شامل موارد چون شناسایی ریسک‌های مرتبط، قیمت‌گذاری مناسب ریسک‌ها و کاربرد استراتژی‌های کاهش ریسک نمی‌شود (طور مثال، از سازمان بین‌المللی توسعه [IDA]، شرکت سرمایه‌گذاری خصوصی خارجی [OPIC] یا موسسه تضمین سرمایه‌گذاری‌های چند جانبه [MIGA]).

• **امنیت:** با وجود مشکلات امنیتی در کشور، قابل ذکر است که افغانستان هزاران کیلومتر لین‌های انتقالی و کبل‌های فایبر نوری دارد که به ندرت هدف قرار داده می‌شوند. برای تأمین هرچه بیشتر امنیت پروژه‌های مهم اقتصادی ما استراتژی‌های امنیتی را برای پروژه‌های بزرگ اقتصادی در پلان کاری چهار ساله شورای امنیت ملی شامل ساخته‌ایم. برای این پروژه‌های بزرگ نیروهای محافظت عامه افغانستان آماده‌گی خود را نشان داده‌اند. برعلاوه، ایالات متحده آمریکا اخیراً استراتژی خویش را در قبال آسیای جنوبی، اعلان نموده است که بیان‌گر یک افغانستان امن در یک منطقه امن می‌باشد. در این استراتژی ایالات متحده آمریکا حمایت مداوم خود را از افغانستان اظهار نموده است. قوای هوایی افغانستان سه برابر خواهد گردید، برای نیروهای کماندو فرقه ایجاد گردیده و به نیروهای جوان مسلکی و کدري فرصت داده خواهد شد. این تغییرات امنیتی سبب خوشحالی تمام ملت گردیده و پروژه‌های بزرگ اقتصادی را کاملاً مورد حمایت قرار می‌دهد.

• **تدارکات:** ایجاد اصلاحات در امور تدارکات کشور به مثابه موفقیت کشور در راستای مبارزه علیه فساد و تأمین شفافیت بیان گردیده است. از آنجایی که اداره تدارکات ملی ظرفیت و فرهنگ موثریت، کارایی و شفافیت را کسب نموده، روند تدارکات قراردادهای معدن‌کاری و نفت و گاز از طریق این اداره طی مراحل خواهند گردید. برای حصول اطمینان از کارایی در این قسمت، کمیته تخنیکي برای ارزیابی داوطلبی‌ها تحت چتر اداره تدارکات ملی فعالیت خواهد نمود. این کمیته پیشنهادات خویش را به شورای عالی اقتصادی ارایه نموده و بعد از منظوری پروسه تدارکات را پیگیری می‌کند.

• **مسائل باقیمانده از گذشته:** دولت جمهوری اسلامی افغانستان متعهد به تأمین شفافیت در سکتور معدن می‌باشد. وزارت معادن و پترولیم، دیتابیس قراردادهای معدن‌کاری را تجدید نموده است و همچنان تمام قراردادهای معادن را اسکن و به صورت آنلاین آپلود نموده است. این معیار را برای شفافیت در سکتور معدن تعیین می‌کند. ما فعلاً با استفاده از سیستم حقوقی، موضوعات حقوقی و مالی را با قراردادهای قبلاً عقد شده حل می‌نماییم. این مراحل از وجود وضاحت نظر به دیدگاه موجود برای معادن اطمینان خواهد داد، و با این کار وزارت معادن و پترولیم می‌تواند که بیشتر بالای ترتیب دیدگاه خویش نسبت به آینده تمرکز کند.

• **مشارکت اجتماعی:** با وصف این که بیش‌تر ساحات معدن‌کاری در محلات نسبتاً منزوی قرار دارند، بازم ساحات وسیع معدن‌کاری وجود دارد که مشارکت اجتماعی در آن‌ها مهم شمرده می‌شود. چهارچوب کاری منرال‌ها تصریح نموده است که یک بخش درآمد فعالیت‌های معدن‌کاری در محل آن مصرف شود. استراتژی دولت افغانستان این خواهد بود تا به جای این که هر شرکت معدن‌کاری برای محلاتی که سرمایه‌گذاری می‌نمایند پروژه‌های مختص داشته باشند، وجوه مالی باید از طریق برنامه میثاق شهروندی مورد استفاده قرار گیرد، چون این برنامه یک چهارچوب ملی مشارکت اجتماعی را ارایه می‌نماید. استفاده از این چهارچوب کاری در کنار این که مؤثریت و مفیدیت را برای جوامع محلی افزایش می‌دهد؛ ابهام، تردد، و مدیریت مصارف برنامه را برای شرکت‌ها کاهش خواهد داد.

• **موضوعات مرتبط به محیط زیست:** تمام قراردادهای استخراج معادن نیاز به مطالعات محیط زیستی دارند. در این مورد فقط یک اداره مرتبط (اداره ملی حفاظت محیط زیست) در کشور وجود دارد. این اداره در مرحله هماهنگی ساختن پالیسی‌های خود با استانداردهای بین‌المللی محیط زیست قرار دارد، تا بدین ترتیب شرکت‌های معدن‌کاری با مشکلات ناشی از استانداردهای محیط زیستی مختص به افغانستان مواجه نگردند.

• **سیستم‌های مدیریت دانش و معلومات:** رویکرد عمومی دولت برای مدیریت سیستم‌های معلومات در مرحله آماده شدن است. وزارت اطلاعات و فرهنگ و اداره مرکزی احصائیه رهبری یک تیم بین‌وزارتی برای انجام این کار را به عهده دارد. این گروه همچنان موظف به شناسایی خلاها در قسمت معلومات راجع به منابع طبیعی کشور می‌باشد و وزارت معادن و پترولیوم نیز نقش عمده را در قسمت شناسایی خلاها در ساحت صلاحیت خود خواهد داشت و یک برنامه را برای دریافت معلومات پیشنهاد خواهد داد.

• **قوای بشری:** شورای عالی قوای بشری تحت ریاست رئیس‌جمهور تشکیل و به طور منظم جلسات خویش را دایر می‌نماید تا اصلاحات لازم را در نظام تعلیمی افغانستان عملی نماید. شناسایی مهارت‌های مقتضی برای استفاده پایدار از سرمایه طبیعی ما، و سرمایه‌گذاری بالای سیستم‌ها و نهادهای تعلیمی جهت ایجاد و ارتقاء این مهارت‌ها، یکی از اهداف اساسی این شورا می‌باشد.

نخستین پیامد موجودیت این محدودیت‌ها این است که نحوه ترتیب انتخاب مناقصات موارد ذی‌علاقه (AOI) دارای اولویت را متأثر می‌کند. به‌طور مثال، تا زمانی که مشکلات برق و ترانسپورت حل نشود، احتمالاً بعد از چند سال ما به عقد قراردادهای فلزات سنگین از قبیل سنگ‌های دارای فلز و مس خواهیم پرداخت. عدم پذیرفتن این محدودیت‌ها به عنوان چالش یکی از دلایلی است تا قراردادهای عقد شده مس عینک و حاجیگک از زمان امضای آن تا به حال پیشرفتی نداشته باشد. بنابر همین دلیل، معقول خواهد بود که به عقد قراردادهای مواد ساختمانی و مصالح ریزدانه بپردازیم، زیرا انجام این کار به عقد قراردادهای متعدد می‌انجامد و در ضمن به منابع وسیع ترانسپورتی یا تأمین انرژی برق به پیمانانه زیاد نیاز نیست.

ثانیاً، محدودیت‌های امنیتی دلالت بر این دارد که ترتیب‌گذاری مناقصات موارد ذی‌علاقه در مناطق مختلف کشور را بر اساس چگونگی امنیت مناطق انجام دهیم یا این که این نکته را بپذیریم که در مناطق ناامن، امنیت معادن باید به شکل بهتر آن تأمین گردد.

ثالثاً، ما باید در این باره تصمیم بگیریم که آیا می‌خواهیم این محدودیت‌ها را یکی پی دیگری رفع نماییم و یا هم این که این محدودیت‌ها را به‌طور همزمان به شکل منطقه‌بی رفع نماییم. به عبارت دیگر، این امر شاید مشکل باشد که محدودیت‌های امنیتی، ترانسپورتی یا تأمین انرژی برق را در سراسر کشور به سرعت رفع کنیم، اما این امر شاید محتمل باشد که بعضی از این محدودیت‌ها را به‌طور همزمان در یک منطقه مشخص رفع کنیم. در این صورت، ما باید استراتژی‌های ترانسپورتی، تأمین انرژی برق، تأمین امنیت و سایر استراتژی‌های خود را با استراتژی معدن‌کاری منطبق نماییم.

یک چارچوب حقوقی جامع و منظم می‌تواند در عرصه جلب سرمایه‌گذاری‌ها و ابقای آن مؤفقانه عمل نماید.

برعلاوه، این کار می‌تواند در زمینه حصول اطمینان از شفافیت عقد قرارداد کمک کند. کابینه جمهوری اسلامی افغانستان قانون منرال‌ها [معادن] را در سال ۲۰۰۵ تصویب کرد. از آن زمان تا اکنون این قانون سه بار تعدیل شده است: در سال‌های ۲۰۰۹، ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲. چهار موضوع عمده وجود دارد که باید در این نسخه حل گردند: (۱) حق تصمیم‌گیری، (۲) روند داوطلبی، (۳) طبقه بندی معادن و (۴) نرخ رویالتی. یکی از موضوعات کلیدی که این قانون آنرا تصریح می‌کند حق تصمیم‌گیری تمام جوانب ذیدخل است. به‌خصوص، این قانون برای هر یک از ۵ نوع اعطای قرارداد، پروسه‌های مختلف تصویب و حق تصمیم‌گیری را پیش‌بینی نموده است.

جزئیات در جدول ذیل ارائه گردیده اند.

انواع جوازهای معدن‌کاری و مراجع تصمیم‌گیری

جواز	پروسه	حق تصمیم‌گیری	ساحه (حد اکثر)	مدت زمان
۱) شناسایی/تشخیص	درخواستی	منظوری وزارت معادن و پترولیم	۲۰,۰۰۰ کیلو متر مربع	۲ سال + عدم تمدید
۲) اکتشاف	داوطلبی	تاییدی کمیسیون عالی سرمایه‌گذاری + تصویب کابینه	۲۵۰ کیلو متر مربع	۳ سال + ۲ بار تمدید
۳) استخراج	داوطلبی	تاییدی کمیسیون عالی سرمایه‌گذاری + تصویب کابینه	۵۰ کیلو متر مربع	۳۰ سال + تمدیدی‌های ۱۵ ساله
۴) معدن‌کاری به مقیاس کوچک	داوطلبی	منظوری وزارت معادن و پترولیم	۱ کیلو متر مربع	۱۰ سال + تمدیدی‌های ۵ ساله
۵) معدن‌کاری مسلکی (حرفه‌ای)	درخواستی	منظوری وزارت معادن و پترولیم	۱ هکتار	۵ سال + تمدیدی‌های ۵ ساله
۶) معدن سنگ و مواد ساختمانی	درخواستی	منظوری وزارت معادن و پترولیم	۱ هکتار	۵ سال + تداوم دوره‌های ۵ ساله

حق تصمیم‌گیری که در قانون معادن بیان گردیده است، به وزارت معادن و پترولیم صلاحیت داده است تا قراردادها را منظور نماید. فعلاً وزیر معادن دارای صلاحیت تصمیم‌گیری برای قراردادهای شناسایی، مقیاس کوچک و مواد ساختمانی می‌باشد. بناءً ما در قانون تغییراتی را اعمال خواهیم نمود که تمام قراردادهای باید توسط شورای عالی اقتصادی تایید گردند و قراردادهای بزرگتر توسط کابینه منظور گردند. این تغییرات در مورد حق تصمیم‌گیری باید هر چه زودتر اعمال گردند.

قانون فعلی باید پروسه داوطلبی را برای تمام انواع قراردادهای مشخص نماید. اصل عمده، رعایت شفافیت در این قسمت می‌باشد. قانون نافذ معادن قراردادهای اکتشاف و مواد ساختمانی را با یک درخواستی عادی طی مراحل می‌نماید. اصل ما یک پروسه داوطلبی باز برای تمام انواع جوازهای تولیدی می‌باشد. برعلاوه وزارت معادن و پترولیم طور مشترک با اداره تدارکات ملی یک بورد مسلکی را برای ارزیابی تمام داوطلبی‌های تسلیم شده به وزارت در سکتور معادن، غرض منظوری به رئیس جمهور پیشنهاد می‌نمایند. این بورد درخواستی‌ها را ارزیابی نموده و گزارش ارزیابی را همراه با پیشنهادات نهایی به شورای عالی اقتصادی جهت اخذ منظوری ارائه خواهد داد، و در صورت منظوری برای طی مراحل پروسه تدارکات الی کمیسیون تدارکات ملی تعقیب خواهد نمود. تغییر در پروسه داوطلبی باید هر چه زودتر در قوانین و مقرره‌های مربوطه اعمال گردد. در طول المدت این بورد مشورتی منحیث بورد برای اداره مستقل تنظیم‌کننده معادن نیز فعالیت خواهد نمود.^۸

^۸ لطفاً به بخش بعدی در مورد اصلاحات لازم در وزارت معادن و پترولیم مراجعه نمایید.

شیوه طبقه‌بندی منرال‌ها باید در قانون واضح گردد. شیوه فعلی طبقه‌بندی بیشتر بالای ساحه معدن متکی بوده تا نظر به آن نوعیت جواز را تفکیک نماید. این طبقه‌بندی سبب سردرگمی گردیده، طوریکه هر دو شرکت‌های معادن و کارمندان وزارت طور ساده‌ای ساحه معدن را به بلاک‌های کوچک‌تر تقسیم نموده و از همین رو می‌توانند که فقط با اخذ منظوری وزارت آن را طی مراحل نمایند و نیازی به منظوری کابینه پیدا نمی‌کنند. به‌عوض آن ما به‌دنبال یک طرح طبقه‌بندی هستیم که انواع جوازها را کم ساخته و طبقه جواز بستگی به نوعیت مواد معدنی و سرمایه‌گذاری مورد نیاز خواهد داشت. به‌طور مثال، سنگ‌های قیمتی و مواد ساختمانی در طبقه جواز معادن مقیاس کوچک قرار خواهند گرفت. مس دارای جواز استخراجی خواهد بود. این تغییرات باید هرچه زودتر در قانون اعمال گردند.

این مسئله باید واضح شود که در خصوص قراردادهای انفرادی کدام شرایط قراردادها باید در قانون منرال‌ها تصریح گردد. جهت ایجاد چنین چارچوب‌های حقوقی، موضوع تعادل میزان اطمینان سرمایه‌گذاران و انعطاف‌پذیری دولت به مثابه شرایطی که به‌طور بالقوه بهبود می‌یابد، باید مدنظر گرفته شود. به‌طور خاص، اکثر کشورها چارچوب‌های حقوقی را که بر اساس آن نرخ‌های رویالتی در قراردادها از طریق انجام مذاکرات تعیین می‌گردد، کنار گذاشته‌اند و در عوض چارچوب‌های حقوقی را اتخاذ نموده‌اند که بر اساس آن نرخ‌های رویالتی در قانون مشخص گردیده است. اعمال چنین تغییر بر میزان اطمینان سرمایه‌گذاران در جریان پروسه استخراج می‌افزاید. برعلاوه، اعمال چنین تغییر حقوقی، به دولت این اختیار را خواهد داد تا جوازهای اکتشافی را به جوازهای بهره‌برداری تبدیل نماید. در صورتیکه یک شرکت در جریان مرحله اکتشافی کدام معدنی را کشف نماید، نیاز به مذاکرات مالی نخواهد بود. این تغییر نیاز به تحلیل بیشتر دارد ولی باید هر چه زودتر اعمال گردد.

بعضی از کشورها حتی پا را فراتر از این نهاده و با تصویب قوانینی که بر اساس آن شرایط قراردادهای سرمایه‌گذاری در بخش معدن کاری برای مدت زمان بیست یا سی سال تضمین می‌شود، تعهد قوی‌تری را به سرمایه‌گذاران بالقوه سپرده‌اند. کشور چیلی این نوع چارچوب حقوقی را مؤفقتاً تطبیق نموده است. ما چنین امکان را برای افغانستان نیز ارزیابی خواهیم نمود. با یکجا نمودن تغییرات فوق‌الذکر یک پروسه جدید داوطلبی و چوکات تصمیم‌گیری مطابق جدول ذیل ایجاد خواهد گردید.

انواع جوازهای معدن‌کاری و مراجع تصمیم‌گیری

جواز	پروسه	حق تصمیم‌گیری*	ساحه (حد اکثر)	مدت زمان
۱- شناسایی	درخواستی	منظوری شورای عالی اقتصادی	۲۰۰۰۰ کیلومترمربع	۲ سال + غیر قابل تمدید
۲- اکتشاف	داوطلبی	منظوری شورای عالی اقتصادی + منظوری کابینه	۲۵۰ کیلومترمربع	۳ سال + ۱ سال قابل تمدید
۳- بهره‌برداری	داوطلبی / درخواستی ^۸	منظوری شورای عالی اقتصادی + منظوری کابینه	۵۰ کیلومترمربع	۳۰ سال + ۱۵ سال قابل تمدید
۴- معدن‌کاری مقیاس کوچک	داوطلبی	منظوری شورای عالی اقتصادی	۱ کیلومترمربع	۱۰ سال

* تمامی جوازها باید قبل از آنکه به شورای عالی اقتصادی و کابینه ارائه گردند، توسط بورد تخنیک‌ی بازنگری شوند.
^۸ جوازهای بهره‌برداری به داوطلبی سپرده می‌شوند، به استثنای حالاتی که جوازهای بهره‌برداری برای کشف مواد معدنی منتج شود، در این صورت جواز به جواز بهره‌برداری انتقال داده خواهد شد.

به طور خلاصه، چهار تغییر حقوقی لازمی وجود داشت که ما هرچه زودتر آن را تطبیق خواهیم نمود. در قسمت حق تصمیم‌گیری، ما یک چارچوب را ارائه نمودیم که مطابق آن باید منظوری شورای عالی اقتصادی و یا کابینه گرفته شود. در قسمت پروسه‌های داوطلبی، تمام پروسه‌ها را مقید به داوطلبی باز نمودیم، به استثناء جوازهای شناسایی (reconnaissance license). در قسمت طبقه‌بندی، پیشنهاد نمودیم که طبقه‌بندی قراردادها باید به عوض ساحه بهره‌برداری، بر اساس نوعیت مواد معدنی و سرمایه‌گذاری مورد نیاز ترتیب شود. در قسمت نرخ‌های رویالتی، این نرخ‌ها در مقرر مشخص خواهند شد (بر اساس

نوعیت منرال تفکیک خواهند گردید). در حالی که این تغییرات هرچه زودتر اعمال می گردند، کار روی مقرر در جریان سال آینده انجام خواهد شد.

برعلاوه، ما باید در جهت ایجاد یک سیستم معیاری برای قراردادهای گام برداریم. همانند قراردادهای تدارکاتی، شرایط مالی باید معیاری گردند، طوری که فقط چند شرایط جزئی در جریان پروسه داوطلبی مورد بحث قرار خواهند گرفت. این کار سبب خواهد شد که سرمایه گذاران ثبات بیشتر پیدا نمایند و همچنان احتمال فساد در جریان پروسه داوطلبی را نیز کاهش خواهد داد.

در نهایت، افغانستان دارای مقرر معدن کاری بوده که در ۱۴ فبروری سال ۲۰۱۰ تصویب گردیده است. این مقرر جزئیات بیشتر را در مورد هر نوع جواز، پروسه داوطلبی، نرخ‌های رویالتی و موضوعات محیطی و اجتماعی ارائه می نماید. این مقررات باید به منظور داشتن مطابقت با مسوده جدید قانون معادن مورد بازنگری قرار گیرند.

وزارت معادن و پترولیم: اصلاحات لازم

برای پشبرد سکتور منرال‌های افغانستان، ما باید اصلاحاتی را در وزارت معادن و پترولیم اعمال نماییم. وظایف اصلی وزارت معادن و پترولیم باید واضح و تعریف مجدد شود. در حال حاضر این وزارت بخش‌های پالیسی‌سازی، تنظیم‌کننده و عملیاتی خود را یکجا نموده است و تعداد کارمندان آن به بیش از ۲,۲۰۰ نفر می‌رسد. با مرور زمان، این وزارت نقش خود را در بخش‌های پالیسی‌سازی حفظ و تقویه نموده و نقش‌های تنظیم‌کننده و عملیاتی خود را واگذار خواهد نمود.

در ابتدا به بخش تنظیم‌کننده این وزارت استقلالیت عملیاتی داده خواهد شد و به مرور زمان، این بخش به عنوان یک اداره تنظیم‌کننده عمل خواهد کرد. این اداره تنظیم‌کننده مانند صنایع مخابرات و هایدروکاربن‌ها، مسوولیت تنظیم امور پروسه مناقصه/داوطلبی را بر عهده خواهد داشت. به همین ترتیب، بخش‌های عملیاتی این وزارت که متشکل از تصدی افغان گاز، فابریکه کود و برق، تصدی ذغال سنگ شمال و فابریکه سمنت جبل السراج است هر یک به شرکت مبدل خواهند شد. این وزارت سهم عمده مالکیت را همچنان دارا خواهد بود، اما به مرور زمان این وزارت نقش عملیاتی خود را در این تصدی‌ها کاهش و در نهایت امر هیچ نقش عملیاتی را در خصوص فعالیت این تصدی‌ها نخواهد داشت. در گام نخست، هر تصدی باید سیستم‌های محاسبه/مالی را تطبیق کند، تفتیش بیرونی انجام دهد و تعداد اعضای هیئت مدیره را به منظور عضویت رؤسای/اعضای مستقل در آن افزایش دهد.

جهت بهبود نحوه عملکرد کارمندان، وزارت معادن و پترولیم باید از کمک‌های بیرونی به شکل مؤثر آن استفاده به عمل آورد. در گذشته بسیار معمول بوده است که مشاورین انفرادی با داشتن حداقل تجربه، برای این وزارت از لحاظ تخنیکی به مشوره‌دهی می‌پرداخته اند. ما باید این نکته را بپذیریم که جهت انجام بعضی از فعالیت‌ها از منابع بیرونی استفاده نماییم تا بدین ترتیب این

وزارت بتواند بر روی وظیفه کلیدی خود که همانا پالیسی سازی است، تمرکز کند. وظایفی که باید از طریق منابع بیرونی انجام شوند عبارتند از امور کاری حقوقی و انجام معاملات است.

این بدین معنی است که این وزارت فقط تیم‌های کاری کوچک حقوقی و مالی را حفظ خواهد کرد که وظایف‌شان برقراری ارتباط و هماهنگی با مشاورین بیرونی است. بهتر خواهد بود که وزارت معادن و پترولیوم تیم‌های کاری متعدد حقوقی و مالی

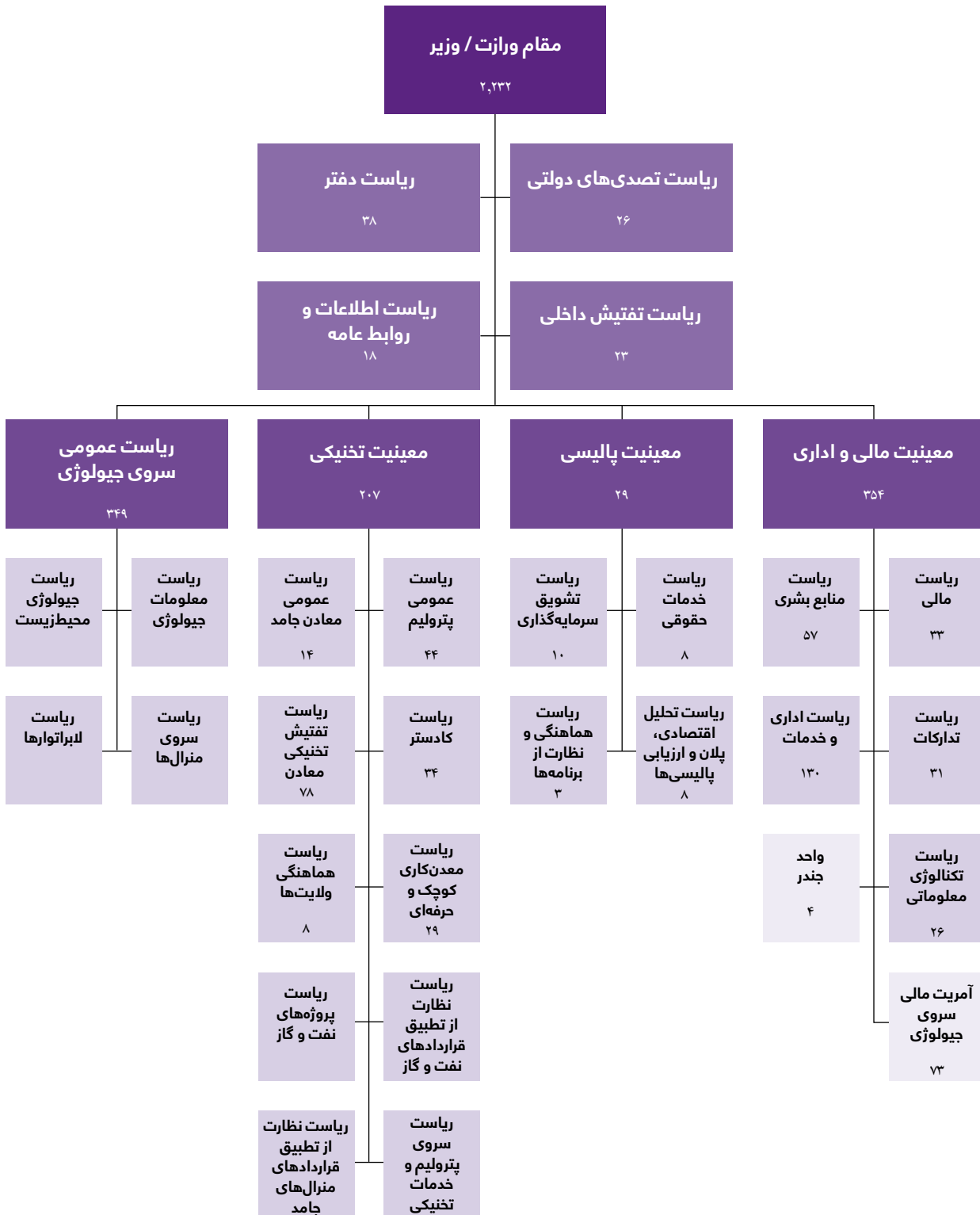
شرح مختصر راجع به بخش‌های کلیدی وزارت معادن و پترولیوم

بخش	شرح مختصر
شعبات	
ریاست عمومی سروی جیولوجی	ریاست عمومی سروی جیولوجی افغانستان مسوولیت تهیه و ترتیب و حفظ گزارش‌های تخنیکي منابع طبیعی را بر عهده دارد. آرشیف ریاست عمومی سروی جیولوجی افغانستان دربرگیرنده گزارش‌ها، عکس‌ها و نقشه‌های هوایی جیولوجی و منابع منرالی افغانستان است. این آرشیف در طبقه سوم ساختمان ریاست عمومی سروی جیولوجی افغانستان واقع شده و متشکل از چهار اتاق دربرگیرنده مواد آرشیف شده و چهار اتاق دیگر آن به دفاتر کارمندان، اتاق مشوره‌دهی و اتاق‌های انبار اختصاص یافته است.
شعبات تخنیکي	اکثر شعبات وزارت معادن و پترولیوم که تحت معینیت تخنیکي فعالیت می‌کنند، در بخش‌های تصمیم‌گیری نقش کلیدی دارند. یکی از دپارتمنت‌های کلیدی آن، ریاست کادستر است که مسوولیت ارزیابی تولید را بر عهده دارد.
تصدی‌ها	
تصدی افغان گاز	تصدی افغان گاز کار استخراج گاز را از چهار ذخیره عمده خود که در شهر شبرغان ولایت جوزجان واقع شده است انجام می‌دهد. تولید سالانه این تصدی ۱۴۷ میلیون متر مکعب گاز است. مشتریان عمده این تصدی فابریکه کود و برق، شماری از شرکت‌های محلی و باشندگان شهر شبرغان هستند. دو قرارداد جدید برای تولید ۹۰ مگاوات برق توسط سکتور خصوصی منظور شده است.
فابریکه کود و برق	این فابریکه در ۱۸ کیلومتری غرب مزار شریف واقع شده است. این فابریکه در سال ۱۹۶۴ با سرمایه‌گذاری ابتدائی ۴۸ میلیون دالر امریکائی تأسیس گردیده است. در اوایل تأسیس، این فابریکه از ظرفیت تولید ۱۰۵,۰۰۰ تن کود کیمیایی و ۴۸ مگاوات برق در سال برخوردار بود. در حال حاضر این فابریکه سالانه فقط در حدود ۳۵,۰۰۰ تن کود کیمیایی و ۱۳ مگاوات برق تولید می‌کند.
ذغال سنگ شمال	تصدی ذغال سنگ شمال یکی از چهار تصدی دولتی است که توسط وزارت معادن و پترولیوم مدیریت می‌شود. از لحاظ فعالیت کاری، تصدی ذغال سنگ شمال متصدی (مالک) شش معدن است، که از این جمله چهار معدن آن فعال و دو معدن آن غیرفعال است. هم اکنون تولید روزانه این تصدی طور اوسط به ۴,۵۰۰ تن در روز می‌رسد. علاوه بر این، در حال حاضر این تصدی معاملات ذغال سنگ را نیز انجام می‌دهد و زمینه عرضه ذغال سنگ را از طریق تعداد زیادی از معدن کاران مستقل فراهم می‌کند.
سمنت جبل السراج	یک فابریکه کوچک کلینکر تولید سمنت که مقدار کم سمنت را برای مصارف محلی تولید می‌کند.

را در خود داشته باشد که بتوانند نظریات مختلف حقوقی و مالی را درباره هر مناقصه یا معامله مالی ارایه نمایند. یک جزء حیاتی این اصلاحات، غیرسیاسی کردن امور حقوقی در این وزارت است. در حال حاضر، مشاورین حقوقی گزارش‌های شانرا مستقیماً به وزیر معادن و پترولیوم ارایه می‌نمایند. این امر به ایجاد تغییرات و تبدیلی‌ها منتج می‌شود، زیرا هر وزیر جدید مشاور حقوقی خود را با خود می‌آورد. در عوض، این وزارت باید دفتر مشوره‌دهی حقوقی را در این وزارت ایجاد نماید، کارمندان این دفتر به مرور زمان در این بخش تجربه و تخصص کسب می‌نمایند و توسط کمیسیون اصلاحات اداری و خدمات ملکی تعیین می‌گردند.

وزارت معادن و پترولیوم باید قراردادهای دریافت کمک تخنیکي عمومی را کنار بگذارد و به طرف دریافت کمک‌های مختص به وظایف کلیدی گام بردارد. وزارت معادن و پترولیوم باید مشخص کند که در کدام موارد نیاز به تدویر دوره‌های آموزشی دارد و در کنار آن باید با نهادهای تخنیکي معدن کاری داخلی و بین‌المللی به منظور ارتقاء ظرفیت همکاری داشته باشد.

تشکیل وزارت معادن و پترولیوم



ایجاد بازارهای صنعتی و منطقه‌یی

افغانستان باید از نیروی تخصصی سکتور خصوصی جهت تنظیم داشته‌های سکتور معادن کشور استفاده نماید.

این یک امر کاملاً واضح است که دولت می‌تواند این سکتور را از طریق اصلاح قوانین منرال‌ها و هایدروکابن‌ها، مورد حمایت قرار دهد، وزارت معادن و پترولیم را تجدید نیرو نماید تا بتواند سکتور خصوصی را کمک نماید، موانع زیرساختی آنرا رفع نماید، و یک پروسه شفاف داوطلبی را در وزارت تطبیق نماید. با وصف این که توسعه بازار منوط به مسیر پیشرفت فعالیت‌های آتی معدن‌کاری خواهد بود، ما در این‌جا چند مثال مثبت توسعه صنعت را در بعضی سکتورهای منرال/صنعتی پیش‌کش می‌نماییم.

• **تولید سمنت** (مناطق مرکزی و غربی افغانستان): سمنت یکی از عناصر اساسی ساختمان‌های مدرن می‌باشد. لهذا، موجودیت این عنصر با قیمت مناسب یکی از اولویت‌های عمده صنعت ساختمانی در افغانستان می‌باشد. به صورت تخمینی تقاضا برای سمنت سالانه بیشتر از ۶ میلیون متریک تُن محاسبه شده است که هم‌اکنون این تقاضا از طریق واردات از کشورهای همجوار برآورده می‌شود. دو ساحة خیلی مساعد برای تولید سمنت در پلخمری (بغلان) و جبل‌السراج (پروان) موقعیت دارد. در صورت لزوم، مطالعات امکان‌پذیری در ساحت متذکره صورت گیرد و بعداً هر ساحة به داوطلبی سپرده شود. همچنان یک محل مناسب دیگر برای ساخت فابریکه سمنت در هرات وجود دارد، که سرشار از سنگ گچ بوده و انرژی مورد ضرورت آن را می‌شود که از طریق معدن ذغال‌سنگ سبزک و یا از طریق گاز طبیعی زمانی که پای‌لاین تاپی به شهر رسد، برآورده ساخت.

• **ایجاد بازار هایدروکابن‌ها** (شمال افغانستان): حوزه‌های نفتی دریای آمو و افغان-تاجیک می‌توانند منجیث مرکز حضرکاری، خدمات و تصفیة نفت مبدل گردند. بر علاوه، این منطقه را می‌توان منجیث یک محل مناسب برای ایجاد تأسیسات تولید و انتقال گاز مبدل نمود.

• **ایجاد بازار طلا** (مناطق شمالی + جنوبی افغانستان): ساحت طلا دار یا ذخایر طلا در ولایت بدخشان افتاده به طرف جنوب شرق تخار موقعیت دارند. با نظر داشت تمرکز رگه‌های طلا در آنجا، می‌شود که یک مرکز پروسس داخلی این فلز گران‌بها در شمال افغانستان ایجاد گردد. یک ساحة طلا دار دیگر از غزنی به طرف زابل افتاده است، مرکز آن را می‌توان در غزنی قرار داد. این هر دو بازار را می‌شود از طریق دهلیز هوایی به بزرگترین بازار جهانی طلا در هندوستان وصل نمود.

• **ایجاد بازار سنگ‌های قیمتی** (مناطق شرقی افغانستان): ذخایر غنی سنگ‌های قیمتی در ولایت‌های پنجشیر، نورستان، کاپیسا، و لغمان موقعیت دارند. ولایت کابل را می‌توان به مرکز کلیدی پروسس سنگ‌های قیمتی مبدل ساخت. وزارت معادن و پترولیم، باید یک پروسه جواز و اعتباردهی را ایجاد نماید، تا سنگ‌های قیمتی در کابل پروسس گردیده و از طریق دهلیز هوایی به بازارهای بین‌المللی در هندوستان، چین و کشورهای دیگر صادر گردد.

• **منرال‌های حاکی کمیاب** (ساحت جنوبی افغانستان): موجودیت منرال‌های حاکی کمیاب در افغانستان یک فرصت منحصر به فرد را ارایه می‌کند. لازم است تا این منرال‌ها تحت شروط تجاری ارزیابی، و در محدوده استراتژی ملی امنیت منرال‌های نادره به داوطلبی سپرده شود. یکی از ساحت مورد نظر در این بخش، ذخایر لیتیم است که در ولایت جنوبی هلمند موقعیت دارد. این منرال‌ها باید با استفاده از تسهیلات وسیع در میدان‌های هوایی و یا دهلیز هوایی به صورت مصنئون به بازارهای بین‌المللی صادر گردد.

• **منرال‌های سنگین** (مناطق مرکزی افغانستان): هر دو معدن مس عینک و معدن آهن حاجیگک، و نیز سایر معادن منرال‌های سنگین در نزدیکی ولایت کابل موقعیت دارند. برای بهره‌برداری این منرال‌ها به انرژی و زیرساخت‌های قوی نیاز است. برای حصول اطمینان از توسعه معدن سنگین، سرمایه‌گذاری بالای زیرساخت‌های لازم مانند خطوط آهن و شبکات انرژی، یکی از اولویت‌ها حکومت می‌باشد. در ضمن، ما روی توسعه ذخایر متوسط آهن و مس تمرکز خواهیم نمود. تقاضای فعلی بازار و

سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی آینده، یک راهنمای خوب برای سکتور خصوصی خواهد بود. در نتیجه سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در بخش ذوب آهن طی سه سال اخیر، تولیدات داخلی این صنعت به ۲۲۰,۰۰۰ متریک تُن رسیده است، و ۳۳ درصد تقاضای کنونی را برآورده ساخته می‌تواند. ساخت خط آهن و سیستم‌های انرژی، حداقل تقاضای را برای دو دهه برآورده خواهد ساخت، و نیز سبب رشد اقتصادی در میان مدت خواهد شد.

• **تالک:** مطالعات ابتدایی نشان می‌دهد که افغانستان می‌تواند در میان ده بزرگترین تولیدکننده گان تالک قرار گیرد. مناطق شرقی افغانستان از تالک با کیفیت بالا برخوردار بوده که از سطح زمین بدست می‌آید. با آنکه تالک در زمره معدن کاری حرفه‌یی طبقه بندی گردیده بود، سکتور خصوصی تا حال حدود ۳۵ میلیون دالر امریکایی را در این عرصه سرمایه‌گذاری نموده است. همچنان یک بخش صنعتی در ولایت ننگرهار منحصت مرکز پروسس تالک ظهور کرده است. با بررسی جوانب متعدد در این بخش، شورای عالی اقتصادی طبقه بندی تالک را به معدن کاری به مقیاس وسیع تغییر داده و به وزارت معادن و پترولیم هدایت داده است که شرایط اعطای داوطلبی‌های رقابتی به منظور ایجاد زنجیره ارزش تالک و همچنان صادرات محصولات پروسس شده آن را فراهم نماید.

• **کرومایت:** استخراج کرومایت با استفاده از تکنالوژی ناکارآ و قاچاق آن از عوامل عمده منازعات در مناطق مرکزی، جنوب شرقی و شرقی بوده است. ایجاد شرایط مساعد برای سرمایه‌گذاری در قسمت پروسس این منرال و ایجاد یک زنجیره ارزش مؤثر و مفید از اولویت‌های وزارت می‌باشد.

• **مرمر:** با داشتن ۱,۳ میلیارد متریک تُن ذخایر سنگ مرمر، ما می‌توانیم برای طویل‌المدت یکی از بازیگران عمده در بازار سنگ مرمر باشیم. برعلاوه مرمر افغانستان ما دارای رنگ‌های متنوع (حدود ۴۰ رنگ) و کیفیت عالی بوده که شامل نوع کارارای سفید (Carrara) نیز می‌گردد. تحلیل‌های انجام شده توسط کارشناسان چینیایی تخمین نموده است که امکان صادر کردن مرمر به ارزش ۵۰۰ میلیون دالر امریکایی طور سالانه به کشور چین وجود دارد. تمرکز بر ایجاد زنجیره ارزش برای مرمر از اولویت‌های عمده ما خواهد بود.

• **ذغال سنگ:** تخمین‌های ابتدایی حدود یک میلیارد متریک تُن ذخایر ذغال را در کشور نشان می‌دهد. تخمین‌های بعدی مقادیر بیشتری را نشان داده است. وزارت معادن و پترولیم تولیدات سال ۲۰۱۷ را ۲ میلیون متریک تُن پیش‌بینی نموده که از آن جمله حدود ۵۰۰ میلیون متریک تُن صادر گردیده است. تولیدات در این بخش ناکارآمد، خطرناک و در بعضی حالات غیرقانونی می‌باشند. از آنجایی که ذغال سنگ کشور دارای کیفیت عالی می‌باشد، ما روی استفاده از ذغال سنگ جهت تولید انرژی با استفاده از تکنالوژی پاک در بخش ذغال سنگ، ایجاد زنجیره ارزش آن و کسب موافقت برای صادرات آن‌ها به بازارهای جدید، تمرکز خواهیم کرد.

استراتژی‌های مختلط تولیدات/ساحات در جدول ذیل خلاصه شده است:

تولیدات/ساحات منرالی افغانستان

منطقه	اساسی	صنعتی	سنگین	مواد تعمیراتی	هایدورکاربن‌ها
شرق	--	سنگ‌های قیمتی + تالک	مس + آهن	مرمر	--
شمال	طلا	سنگ‌های قیمتی	مس	مرمر + سنگ آهک	دریای آمو + افغان تاجیک
غرب	--	--	مس	مرمر + سنگ آهک	--
جنوب	منرال‌های خاکی کمیاب + طلا	فلورایت	مس	--	--
مرکزی	منرال‌های خاکی کمیاب	--	سُرب + جست	--	--

نتیجه‌گیری/ پیشنهادات

این نقشه راه یک استراتژی را برای تصمیم‌گیری در مورد این‌که چگونه کارکرد سکتور معادن و هایدروکاربن‌ها در افغانستان بهبود یابد، ارائه می‌دارد.

این نقشه راه یک استراتژی را برای تصمیم‌گیری در مورد این‌که چگونه کارکرد سکتور معادن و هایدروکاربن‌ها در افغانستان بهبود یابد، ارائه می‌دارد. همچنان ما پیشنهاداتی را برای کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت در پنج بخش آتی مطرح خواهیم کرد: (۱) اولویت‌بندی منرال‌ها و فعالیت‌های معدن‌کاری در ساحت مورد نظر، (۲) تطبیق اصلاحات نهادی در وزارت معادن و پترولیم (۳) اصلاحات در پروسه داوطلبی، (۴) حصول اطمینان از عرضه خدمات برای اجتماع، و (۵) حصول اطمینان از این‌که عواید بخش معادن در زمینه ثبات اقتصاد کلان-مالی (Macro - Fiscal) ممد واقع شود.

• **چارچوب اولویت بندی منرال‌ها/ساحات مورد نظر:** از لحاظ آغاز فعالیت در مورد منرال‌ها، ما کار بالای مواد ساختمانی را در اولویت قرار می‌دهیم، دوم فلزات صنعتی، و سوم فلزات قیمتی، و در اخیر اعلان داوطلبی برای منرال‌های سنگین را مدنظر می‌گیریم. این ترتیب مزیت‌هایی را در بر دارد. نخست، این ترتیب محدودیت فعلی این سکتور به‌خصوص نبود زیربنای لازم ترانسپورتی و انرژی را برای استخراج توده‌ای مواد معدنی، بر ملا می‌سازد. دوم، برای وزارت معادن و پترولیم این امکان را میسر می‌سازد تا تخصص خویش را بلند برده و بر تجارب خویش با عقد قراردادهای کوچک، قبل از عقد قراردادهای طویل‌مدت بدون تجارب کافی حقوقی، مالی و تخنیکی، بیافزاید. سوم، این ترتیب را می‌توان برای همه معادن در سراسر کشور مدنظر گرفت.

در مورد معادن بزرگتر، و با در نظر داشت انصاف منطقه‌یی، ما بر اساس ۲۴ ساحت مشخص شده مورد نظر، با داوطلبی سپردن معادن در هر پنج منطقه کشور، گام بر خواهیم داشت. با در نظر داشت ذخایر (به سطح جهانی) مناطق مرکزی در منطقه پنجم (مرکزی) کشور، ما یک سری از اقدامات را روی دست می‌گیریم تا شرایط لازم را برای اعطای داوطلبی‌ها در کوتاه مدت فراهم کنیم. این نظریات مورد اعتبار و تأیید قرار خواهد گرفت.

تولیدات/ساحات منرالی افغانستان

منطقه	ساحت مورد نظر / خلاصه معدن	خلاصه
غرب	سنگ آهک/چونه	این ذخیره بزرگ سنگ چونه را می‌توان منحصراً نقطه آغاز کار سکتور سمنت در غرب کشور استفاده نمود.
جنوب	خانشین	این معدن دارای ذخایر بزرگ منرال‌های خاکی کمیاب، و یورانیم می‌باشد. این معادن را می‌توان با در نظر داشت منافع و امنیت ملی به داوطلبی محدود سپرد.
مرکزی	نعل‌بندان	ذخایر بزرگ سرب و جست در منطقه غربی ولایت غور وجود دارد، که امکان دارد آن‌ها را با تسهیلات ترانسپورتی و انرژی مناطق غربی وصل نمود، ولی مشکل است که معادن را در این منطقه به زودی به بهره‌برداری سپرد.
شرق	غندی اچین/پنجشیر	در این ذخایر تالک از قبل فعالیت‌های معدن‌کاری آغاز گردیده است، ما کار معادن تالک را عنقریب نهایی خواهیم ساخت، و سرمایه‌گذاری در این ساحت بیشتر خواهد شد. کار رسمی‌سازی صنعت سنگ‌های قیمتی باید در اولویت قرار گیرد.
شمال	بغلان	ذخایر سنگ چونه در ولایت بغلان برای عقد قرارداد از طریق داوطلبی خیلی مساعد می‌باشد و مواد جدید را برای تولید سمنت فراهم خواهد کرد.

• **اصلاحات در وزارت معادن و پترولیم:** در قسمت اصلاحات نهادی، دیدگاه طویل‌مدت وزارت فعلاً واضح گردیده است. هدف ما یک وزارت کوچک بوده که تنها متمرکز به پالیسی‌سازی باشد. با گذشت زمان، بخش‌های تنظیم‌کننده و عملیاتی وزارت به ادارات جداگانه تبدیل خواهند شد. برای فعالیت‌های تنظیم‌کننده هایدروکاربن‌ها نیز یک اداره مستقل تنظیم نفت و گاز به میان خواهد آمد. دیپارتمنت تخنیکی منرال‌ها نیز به یک اداره مستقل تنظیم‌کننده معدن‌کاری تبدیل خواهد شد. این اداره تنظیم‌کننده مسوول پروسه داوطلبی و عقد قرارداد خواهد بود. برای رسیدن به این هدف در قدم اول، وزارت معادن و پترولیم یک برد مشورتی تخنیکی را ایجاد خواهد نمود که به معین تخنیکی وزارت معادن مشوره‌های لازم را در موضوعات تخنیکی ارائه خواهد داد.

سروی جیولوجی افغانستان نیز به یک ادارهٔ تخنیکي مستقل تبدیل خواهد شد که یگانه هدف آن تهیه و ترتیب معلومات منابع طبیعی خواهد بود. سروی جیولوجی معلوماتی را که در دسترس نیست از طریق منابع داخلی و یا هم قرارداد با شرکت‌های دیگر به دست خواهد آورد. این کار شامل توسعهٔ ساختار جغرافیایی، شناسایی منابع مواد معدنی، شناسایی منابع ذغال و شناسایی خطرات زلزله می‌گردد. ارزیابی‌های مقدماتی برای تطبیق آنی این برنامه شامل سکتورهای ذغال سنگ، سمنت و گاز طبیعی خواهد بود.

تمام تصدی‌های دولتی به شرکت‌های مستقل دولتی تبدیل خواهند گردید. وزارت معادن و پترولیم دارای مالکیت خواهد بود و در مورد نیز سهام خواهد بود، ولی دیگر در موضوعات عملیاتی دخیل نخواهد بود. در قدم نخست در هر تصدی یک سیستم مالی جامع تطبیق خواهد گردید. در جریان سال ۲۰۱۸ در مورد هر تصدی یک رئیس/عضو مستقل اضافه خواهد گردید. تا پایان سال ۲۰۱۸ تفتیش مستقل مالی نیز تکمیل خواهد گردید.

• **بهبود پروسه داوطلبی منرال‌ها:** در قسمت پروسه داوطلبی، یک چوکات واضح اولویت‌بندی ارایه شده است، آماده برای صدور بسته‌های اظهار علاقمندی برای هر ساحه مورد نظر و یک چوکات واضح تصمیم‌گیری وجود دارد. وزارت معادن و پترولیم آماده صدور یک تعداد داوطلبی‌ها می‌باشد. موضوعات دیگر پروسه ارزیابی و انتخاب می‌باشد. اسناد تقنینی بخش معادن/منرال‌ها مورد بازنگری قرار خواهند گرفت، شورای عالی اقتصادی تمام تیم‌های ارزیابی معادن را منظور خواهد کرد (و قراردادهای بزرگتر توسط کابینه منظور خواهد شد). در درازمدت قوانین جامع‌تر در بخش معادن تدوین و تنفیذ خواهد شد.

• **تأمین عرضه خدمات برای جامعه:** تمام فعالیت‌های عرضه خدمات همچو دخیل ساختن باشندگان محل و حمایت آن‌ها، باید توسط برنامه ملی میثاق شهروندی تنظیم گردند. این چارچوب دارای مزیت توحید تمام فعالیت‌های باشندگان محل در یک برنامه می‌باشد که از انجام فعالیت‌ها توسط چندین وزارت‌خانه جلوگیری به عمل می‌آید. همچنان تمام فعالیت‌های مرتبط به اسکان مجدد به یک ادارهٔ مستقل اسکان واگذار خواهند گردید. با تحقق موضوعات فوق، وزارت معادن و پترولیم تنها متمرکز به پالیسی‌سازی در قسمت معادن خواهد گردید.

• **حصول اطمینان از این که عواید معدن‌کاری به ثبات اقتصادی کلان-مالی منتج می‌شود:** اکثر کشورها چالش ناشی از تناقض فراوانی (نفرین منابع) را تجربه کرده‌اند که بخش عمدهٔ آن ناشی از تأثیر جریان داخلی منابع طبیعی فراوان در جریان یک مدت زمان کوتاه است. جریان داخلی منابع طبیعی فراوان به چنین پیمانه به غرق شدن اقتصادهای کوچک داخلی و به بی‌ثباتی بیش از حد ارزش نرخ تبادل در یک کشور می‌انجامد و در نتیجه چرخه‌های رونق-رکود را به وجود می‌آورد که به طور همزمان به نوسان نرخ کالاها منتج می‌شود. جهت حل این مشکلات، بعضی از کشورها به منظور باثبات نگهداشتن چرخه‌های اقتصادی خود، صندوق مازاد مالی منابع طبیعی را ایجاد کرده‌اند، هر چند افغانستان اکنون با داشتن چنین صندوقی فاصلهٔ زیادی دارد، ولی ما نیز باید برای آینده چنین برنامه‌ی داشته باشیم. در رابطه با این که اگر زمانی ذخایر بزرگ مواد معدنی آغاز به تولید کنند، وزارت مالیه باید موضوع قانون‌گذاری در این عرصه را اولویت‌بندی و قوانین مالی را طرح کند که بر اساس آن چگونگی مصرف عواید منابع و پس انداز آن مشخص گردد.

به‌طور مثال در کشور چیلی از وجوه مالی اقتصادی و ثبات اجتماعی، جهت تمویل کسری‌های مالی و پرداخت بدهی‌های عمومی استفاده به عمل می‌آید. طوری که در قانون مسوولیت مالی تصریح گردیده است، زمانی که قیمت‌های مس بیشتر از میزان اوسط درازمدت باشد (با استفاده از یک فورمول واضح)، عواید مازاد به وجوه مالی اقتصادی و ثبات اجتماعی منتقل می‌شود. زمانی که قیمت‌های مس پایین‌تر از میزان اوسط درازمدت باشد، وجوه مالی اقتصادی و ثبات اجتماعی در بودجه ملی مورد استفاده قرار می‌گیرد. لذا، وجوه مالی اقتصادی و ثبات اجتماعی می‌تواند ثبات مصارف مالی را از آنجایی که میزان وابستگی به چرخه‌های کسب و کار جهانی را کاهش می‌دهد، و بی‌ثباتی ناشی از نوسان قیمت مس و سایر منابع را تأمین نماید، به بار آورد.

اعمال این تغییرات چالش‌برانگیز خواهد بود اما اگر این تغییرات به‌طور درست آن اعمال گردد، از این ظرفیت برخوردار خواهد بود که در طی چند دهه معدود مسیر افغانستان را از یک کشور کم‌درآمد به یک کشور دارای درآمد متوسط مبدل کند. این گزارش نقشه‌راهی را فراهم می‌کند که بر اساس آن در خواهیم یافت که چگونه بر این نکته تمرکز و اطمینان حاصل نمایم که منابع طبیعی افغانستان برای تمام شهروندان کشور منفعت به بار می‌آورد. ما منابع بزرگ منرال‌های کشور را مشخص نموده‌ایم و استراتژی جمهوری اسلامی افغانستان را در خصوص رفع محدودیت‌های حقوقی، عملیاتی و ترانسپورتی فراروی این سکتور تشریح نموده‌ایم که بر اساس آن در دهه‌های پیشرو سکتور مواد معدنی، به مثابه‌انجن رشد افغانستان عمل خواهد کرد. پس از منظوری توسط شورای عالی اقتصاد، این نقشه‌راه به یک پلان عمل‌دارای محدودۀ زمانی تبدیل خواهد شد.

خلاصه جدول ساحات مورد نظر

کالا	تخمین منابع	ولایتها	نوع
۱- مواد ساختمانی			
۲- فلزات			
۳- منرالهای صنعتی			

جمهوری اسلامی افغانستان متعهد به ایجاد یک سکتور پاسخگو و شفاف در بخش معادن است، دلیل آن نیز این است که سکتور معادن به مثابه بزرگترین فرصت در راستای افزایش رشد اقتصادی محسوب می‌گردد. دیدگاه راهنمای ما در این راستا، استفاده پایدار از سرمایه‌های طبیعی برای ایجاد سرمایه مالی غرض توسعه و تضمین آزادی، امنیت و حقوق تصریح شده در قانون اساسی، می‌باشد.

— جلالتمآب محمد اشرف غنی
رئیس جمهوری اسلامی افغانستان